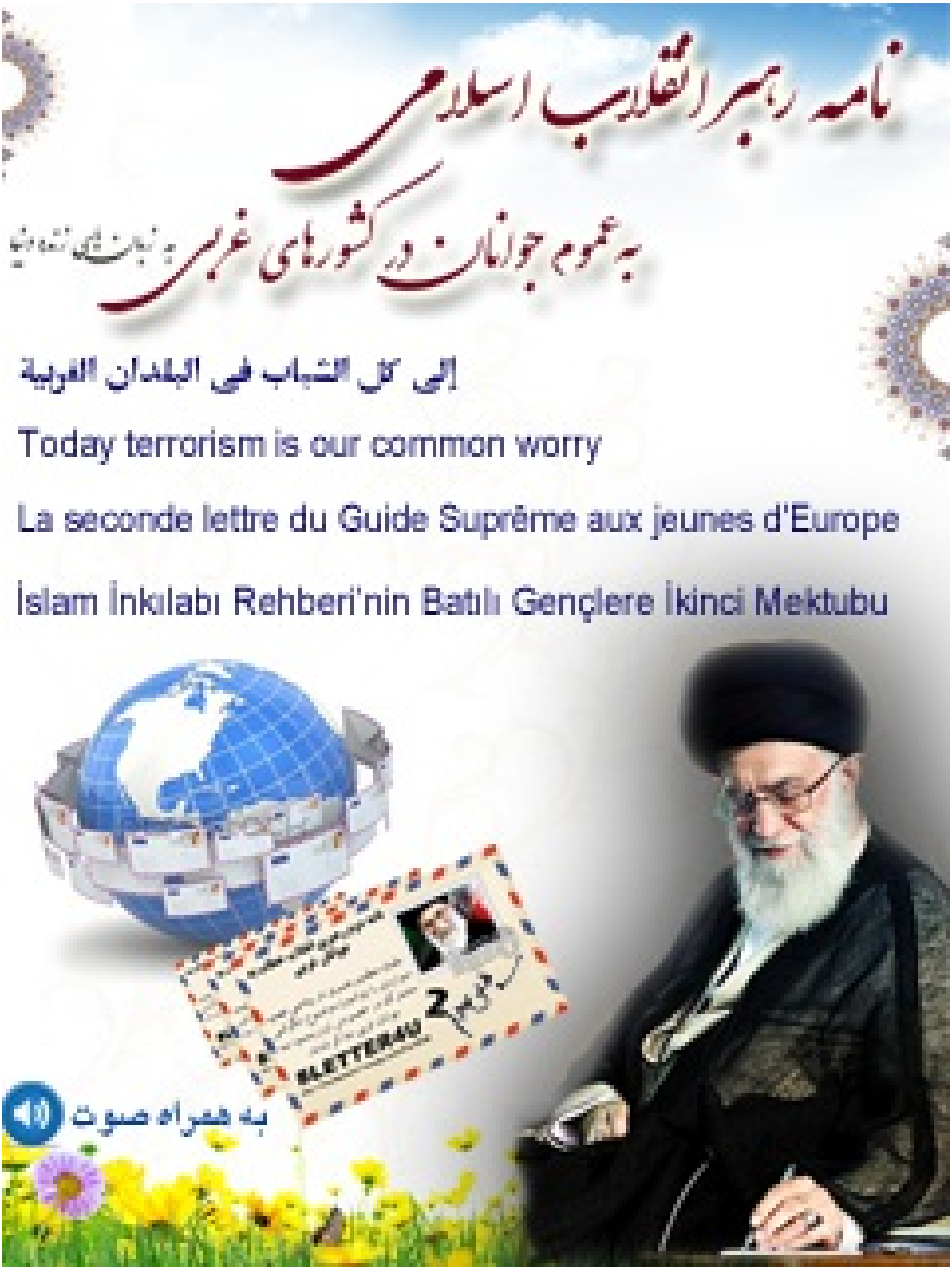

نامه رهبر انقلاب اسلامی
به عموم جوانان در کشورهای غربی
إلى كل الشباب في البلدان الغربية
Today terrorism is our common worry
La seconde lettre du Guide Suprême aux jeunes d'Europe
İslam İnkılabı Rehberi'nin Batılı Gençlere İkinci Mektubu
به همراه صوت

بسم الله الرحمن الرحیم

نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی به زبان های زنده دنیا

نویسنده:

آیت الله العظمی سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

سایت رهبر انقلاب

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی به زبان های زنده دنیا

مشخصات نامه

سرشناسه:سیّدعلی خامنه ای،۱۳۱۸

عنوان و نام پدیدآور:نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی به زبان های زنده دنیا/ سیّدعلی خامنه ای.

مشخصات نشر : تهران : سایت رهبر انقلاب، ۱۳۹۴

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه ، رایانه و کتاب

موضوع: جوانان - اجتماعی - اسلامی- فرهنگ

http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۳۱۵۳۶

فارسی

نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

Your browser does not support the audio tag.

به عموم جوانان در کشورهای غربی

حوادث تلخی که تروریسم کور در فرانسه رقم زد، بار دیگر مرا به گفتگو با شما جوانان برانگیخت. برای من تأسّف بار است که چنین رویدادهایی بستر سخن را بسازد، امّا واقعیّت این است که اگر مسائل دردناک، زمینه ای برای چاره اندیشی و محملی برای همفکری فراهم نکند، خسارت دوچندان خواهد شد. رنج هر انسانی در هر نقطه از جهان، به خودی خود برای همنوعان اندوه بار است. منظره ی کودکی که در برابر دیدگان عزیزانش جان میدهد، مادری که شادی خانواده اش به عزا مبدّل میشود، شوهری که پیکر بی جان همسرش را شتابان به سویی میبرد، و یا تماشاگری که نمیداند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده ی نمایش زندگی را خواهد دید، مناظری نیست که عواطف و احساسات انسانی را برنینگیزد. هرکس که از محبّت و انسانیّت بهره ای برده باشد، از دیدن این صحنه ها متأثّر و متألّم میشود؛ چه در فرانسه رخ دهد، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه. قطعاً یک ونیم میلیارد مسلمان همین احساس را دارند و از عاملان و مسبّبان این فجایع، منزجر و بیزارند. امّا مسئله این است که رنجهای امروز اگر مایه ی ساختن فردایی بهتر و ایمن تر نشود، فقط به خاطره هایی تلخ و بی ثمر فرو خواهد کاست. من ایمان دارم که تنها شما جوانهایید که با درس گرفتن از

ناملایمات امروز، قادر خواهید بود راه هایی نو برای ساخت آینده بیابید و سدّ بیراهه هایی شوید که غرب را به نقطه ی کنونی رسانده است.

درست است که امروز تروریسم درد مشترک ما و شما است، امّا لازم است بدانید که ناامنی و اضطرابی که در حوادث اخیر تجربه کردید، با رنجی که مردم عراق، یمن، سوریه، و افغانستان طیّ سالهای متمادی تحمّل کرده اند دو تفاوت عمده دارد؛ نخست اینکه دنیای اسلام در ابعادی بمراتب وسیع تر، در حجمی انبوه تر و به مدّت بسیار طولانی تر قربانی وحشت افکنی و خشونت بوده است؛ و دوّم اینکه متأسّفانه این خشونتها همواره از طرف برخی از قدرتهای بزرگ به شیوه های گوناگون و به شکل مؤثّر حمایت شده است. امروز کمتر کسی از نقش ایالات متّحده ی آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله های شوم آنان بی اطّلاع است. در کنار این پشتیبانی مستقیم، حامیان آشکار و شناخته شده ی تروریسم تکفیری، علی رغم داشتن عقب مانده ترین نظامهای سیاسی، همواره در ردیف متّحدان غرب جای گرفته اند، و این در حالی است که پیشروترین و روشن ترین اندیشه های برخاسته از مردم سالاری های پویا در منطقه، بی رحمانه مورد سرکوب قرار گرفته است. برخورد دوگانه ی غرب با جنبش بیداری در جهان اسلام، نمونه ی گویایی از تضاد در سیاستهای غربی است.

چهره ی دیگر این تضاد، در پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل دیده میشود. مردم ستمدیده ی فلسطین بیش از شصت سال است که بدترین نوع تروریسم را تجربه میکنند. اگر مردم اروپا اکنون چند روزی در خانه های خود پناه میگیرند و از حضور در مجامع و مراکز پرجمعیّت پرهیز میکنند، یک خانواده ی فلسطینی ده ها سال است که حتّی در خانه ی خود از ماشین کشتار

و تخریب رژیم صـهیونیست در امان نیست. امروزه چه نوع خشونتی را میتوان از نظر شدّت قساوت با شهرک سازی های رژیم صهیـونیست مقـایسه کرد؟ این رژیم بـدون اینکه هرگز به طـور جـدّی و مـؤثّر مورد سـرزنش متّحـدان پرنفوذ خود و یـا لااقل نهادهای بظاهر مسـتقلّ بین المللی قرار گیرد، هر روز خانه ی فلسـطینیان را ویران و باغها و مزارعشان را نابود میکنـد، بی آنکه حتّی فرصت انتقـال اسـباب زنـدگی یـا مجـال جمع آوری محصول کشـاورزی را به آنـان بدهـد؛ و همه ی اینها اغلب در برابر دیدگان وحشت زده و چشـمان اشک بار زنان و کودکانی روی میدهد که شاهد ضـرب و جرح اعضای خانواده ی خود و در مواردی انتقـال آنهـا به شـکنجه گـاه های مخوفنـد. آیا در دنیای امروز، قساوت دیگری را در این حجم و ابعاد و با این تـداوم زمانی می شناسـید؟ به گلوله بسـتن بانویی در وسط خیابان فقط به جرم اعتراض به سـربازِ تا دندان مسلّح، اگر تروریسم نیست پس چیست؟ این بربریّت چون توسّط نیروی نظامی یک دولت اشـغالگر انجام میشود، نباید افراطی گری خوانده شود؟ یا شاید این تصاویر فقط به این علّت که شصت سال مکرّراً از صفحه ی تلویزیون ها دیده شده، دیگر نباید وجدان ما را تحریک کند.

لشکرکشـی های سالهای اخیر به دنیای اسـلام که خود قربانیان بی شماری داشت، نمونه ای دیگر از منطق متناقض غرب است. کشورهای مورد تهاجم، علاوه بر خسارتهای انسانی، زیرساخت های اقتصادی و صنعتی خود را از دست داده اند، حرکت آنها به سوی رشـد و توسـعه به توقّف یا کنـدی گراییـده، و در مواردی ده ها سال به عقب برگشـته اند؛ با وجود این، گسـتاخانه از آنان خواسته میشود که خود را ستمدیده ندانند. چگونه میتوان کشوری را به

ویرانه تبدیل کرد و شهر و روستایش را به خاکستر نشاند، سپس به آنها گفت که لطفاً خود را ستمدیده ندانید! به جای دعوت به نفهمیـدن و یـا از یاد بردن فاجعه ها، آیا عـذرخواهیِ صادقانه بهتر نیست؟ رنجی که در این سالها دنیای اسـلام از دورویی و چهره آرایی مهاجمان کشیده است، کمتر از خسارتهای مادّی نیست.

جوانان عزیز! من امیـد دارم که شـما در حال یا آینـده، این ذهنیّت آلوده به تزویر را تغییر دهید؛ ذهنیّتی که هنرش پنهان کردن اهـداف دور و آراسـتن اغراض موذیـانه اسـت. بـه نظر مـن نخسـتین مرحلـه در ایجـاد امنیّت و آرامش، اصـلاح این انـدیشه ی خشـونت زا اسـت. تـا زمـانی کـه معیارهـای دوگـانه بر سـیاست غرب مسـلّط باشـد، و تـا وقـتی که تروریسم در نگـاه حامیـان قدرتمنـدش به انواع خوب و بـد تقسـیم شود، و تا روزی که منافع دولتها بر ارزشـهای انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه های خشونت را در جای دیگر جستجو کرد.

متأسّفانه این ریشه هـا طیّ سالیـان متمـادی، بتدریـج در اعمـاق سیاسـتهای فرهنگی غرب نیز رسوخ کرده و یـک هجوم نرم و خـاموش را سامـان داده است. بسـیاری از کشورهـای دنیـا به فرهنـگ بومی و ملّی خود افتخار میکننـد، فرهنگهایی که در عین بالنـدگی و زایش، صـدها سال جوامع بشـری را بخوبی تغذیه کرده است؛ دنیای اسـلام نیز از این امر مسـتثنا نبوده است. امّا در دوره ی معاصـر، جهان غرب با بهره گیری از ابزارهای پیشـرفته، بر شبیه سازی و همانـندسازی فرهنگی جهان پافشاری میکنـد. من تحمیـل فرهنـگ غرب بر سایر ملّتها و کوچک شـمردن فرهنگهای مسـتقل را یک خشونت خاموش و بسـیار زیان بار تلقّی میکنم. تحقیر فرهنگهای غنی و

اهانت به محترم ترین بخشهای آنها در حالی صورت میگیرد که فرهنگ جایگزین، به هیچ وجه از ظرفیّت جانشینی برخوردار نیست. به طور مثال، دو عنصر «پرخاشگری» و «بی بندوباری اخلاقی» که متأسّفانه به مؤلّفه های اصلی فرهنگ غربی تبدیل شده است، مقبولیّت و جایگاه آن را حتّی در خاستگاهش تنزّل داده است. اینک سؤال این است که اگر ما یک فرهنگ ستیزه جو، مبتذل و معناگریز را نخواهیم، گنهکاریم؟ اگر مانع سیل ویرانگری شویم که در قالب انواع محصولات شبه هنری به سوی جوانان ما روانه میشود، مقصّریم؟ من اهمّیّت و ارزش پیوندهای فرهنگی را انکار نمیکنم. این پیوندها هر گاه در شرایط طبیعی و با احترام به جامعه ی پذیرا صورت گرفته، رشد و بالندگی و غنا را به ارمغان آورده است. در مقابل، پیوندهای ناهمگون و تحمیلی، ناموفّق و خسارت بار بوده است. با کمال تأسّف باید بگویم که گروه های فرومایه ای مثل داعش، زاییده ی این گونه وصلتهای ناموفّق با فرهنگهای وارداتی است. اگر مشکل واقعاً عقیدتی بود، میبایست پیش از عصر استعمار نیز نظیر این پدیده ها در جهان اسلام مشاهده میشد، درحالی که تاریخ، خلاف آن را گواهی میدهد. مستندات مسلّم تاریخی بروشنی نشان میدهد که چگونه تلاقی استعمار با یک تفکّر افراطی و مطرود، آن هم در دل یک قبیله ی بدوی، بذر تندروی را در این منطقه کاشت. وگرنه چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی ترین و انسانی ترین مکاتب دینی جهان که در متن بنیادینِ خود، گرفتن جان یک انسان را به مثابه ی کشتن همه ی بشریّت میداند، زباله ای مثل داعش بیرون بیاید؟

از طرف دیگر باید پرسید چرا کسانی که در اروپا متولّد شده اند و در همان محیط، پرورش فکری و روحی یافته اند، جذب

این نوع گروه ها میشوند؟ آیا میتوان باور کرد که افراد با یکی دو سفر به مناطق جنگی، ناگهان آن قدر افراطی شوند که هم وطنان خود را گلوله باران کنند؟ قطعاً نباید تأثیر یک عمر تغذیه ی فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولّد خشونت را فراموش کرد. باید در این زمینه تحلیلی جامع داشت، تحلیلی که آلودگی های پیدا و پنهان جامعه را بیابد. شاید نفرت عمیقی که طیّ سالهای شکوفایی صنعتی و اقتصادی، در اثر نابرابری ها و احیاناً تبعیض های قانونی و ساختاری در دل اقشاری از جوامع غربی کاشته شده، عقده هایی را ایجاد کرده که هر از چندی بیمارگونه به این صورت گشوده میشود.

به هرحال این شما هستید که باید لایه های ظاهری جامعه ی خود را بشکافید، گره ها و کینه ها را بیابید و بزدایید. شکافها را به جای تعمیق، باید ترمیم کرد. اشتباه بزرگ در مبارزه با تروریسم، واکنشهای عجولانه ای است که گسست های موجود را افزایش دهد. هر حرکت هیجانی و شتاب زده که جامعه ی مسلمان ساکن اروپا و آمریکا را که متشکّل از میلیون ها انسان فعّال و مسئولیّت پذیر است، در انزوا یا هراس و اضطراب قرار دهد و بیش از گذشته آنان را از حقوق اصلی شان محروم سازد و از صحنه ی اجتماع کنار گذارَد، نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد بلکه فاصله ها را عمق، و کدورتها را وسعت خواهد داد. تدابیر سطحی و واکنشی ـــ مخصوصاً اگر وجاهت قانونی بیابد ـــ جز اینکه با افزایش قطب بندی های موجود، راه را بر بحرانهای آینده بگشاید، ثمر دیگری نخواهد داشت. طبق اخبار رسیده، در برخی از کشورهای اروپایی مقرّراتی وضع شده است که شهروندان را به جاسوسی علیه مسلمانان وامیدارد؛ این

رفتارها ظالمانه است و همه میدانیم که ظلم، خواه ناخواه خاصیّت برگشت پذیری دارد. وانگهی مسلمانان، شایسته ی این ناسپاسی ها نیستند. دنیای باختر قرنها است که مسلمانان را بخوبی می شناسد؛ هم آن روز که غربیان در خاک اسلام میهمان شدند و به ثروت صاحبخانه چشم دوختند، و هم روز دیگر که میزبان بودند و از کار و فکر مسلمانان بهره جستند، اغلب جز مهربانی و شکیبایی ندیدند. بنابراین من از شما جوانان میخواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف بینی و استفاده از تجربه های ناگوار، بنیانهای یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی ریزی کنید. در این صورت، در آینده ای نه چندان دور خواهید دید بنایی که بر چنین شالوده ای استوار کرده اید، سایه ی اطمینان و اعتماد را بر سر معمارانش میگستراند، گرمای امنیّت و آرامش را به آنان هدیه میدهد، و فروغ امید به آینده ای روشن را بر صفحه ی گیتی میتاباند.

سیّدعلی خامنه ای

۸ آذر ۱۳۹۴

العربیه

إلی کل الشباب فی البلدان الغربیه

بسم الله الرحمن الرحیم

الأحداث المریره التی ارتکبها الإرهاب الأعمی فی فرنسا دفعتنی مره أخری لمخاطبتکم. ویؤسفنی أن توفر مثل هذه الأحداث أرضیه الحوار، بید أن الواقع هو أن القضایا المؤلمه إذا لم توفر الأرضیه للتفکیر بالحلول ولم تعط الفرصه لتبادل الأفکار، فستکون الخساره مضاعفه. فمعاناه الإنسان، فی أیّ مکان من العالم، محزنه بحد ذاتها لبنی البشر. مشهد طفل فی حاله نزع الروح أمام أحبائه، وأمّ تبدلت فرحه عائلتها إلی مأتم، وزوج یحمل جسد زوجته مسرعاً إلی ناحیه ما، أو متفرّج لا یدری أنه سیشاهد بعد لحظات المقطع الأخیر من مسرحیه حیاته، هذه لیست مشاهد لا تثیر العواطف والمشاعر الإنسانیه. کل من له نصیب من المحبه والإنسانیه یتأثر ویتألم لمشاهده هذه المناظر،

سواء وقعت فى فرنسا، أو فى فلسطين والعراق ولبنان وسوريه. ولا شك أن ملياراً ونصف المليار من المسلمين لهم نفس الشعور، وهم براء ومبغضون لمرتكبى هـذه الفجائع ومسـببيها. غير أن القضـيه هى أن آلام اليوم إذا لم تؤد إلى بناء غد أفضل وأكثر أمناً، فسوف تختزل لتكون مجرد ذكريات مُرّه عـديمه الفائـده. إننى أؤمن أنكم أنتم الشـباب وحدكم قادرون، باسـتلهام الدروس من محن اليوم، على أن تجدوا السبل الجديده لبناء المستقبل، وتسدوا الطرق الخاطئه التى أوصلت الغرب إلى ما هو عليه الآن.

صحيـح أن الإرهاب أصـبح اليوم الهم والألم المشترک بيننا وبينكم، لكن من الضـرورى أن تعرفوا أن القلق وانعـدام الأمن الذى جرّبتموه فى الأحداث الأخيره يختلف اختلافين أساسـيين عن الآلآم التى تحملتها شعوب العراق واليمن وسوريه وأفغانستان طوال سنين متتاليه: أولاً إن العالم الإسـلامى كان ضحيه الإرهاب والعنف بأبعاد أوسع بكثير، وبحجم أضخم، ولفتره أطول بكثير. وثانياً إن هذا العنف كان للأسف مدعوماً على الدوام من قبل بعض ا�يه لا تشـعر بالأمن من آله القتل والهدم الصهيونيه منذ عشرات الأعوام، حتى وهى فى بيتها. أىّ نوع من العنف يمكن مقارنته اليوم من حيث شـده القسوه ببناء الكيان الصـهيونى للمسـتوطنات؟ إن هـذا الكيـان يـدمر كـل يوم بيوت الفلسـطينيين ومزارعهم وبسـاتينهم من دون أن يتعرض أبـداً لمؤاخـذه جاده مؤثره من قبل حلفـائه المتنفـذين، أو على الأقـل من المنظمات الـدوليه التى تـدعى اسـتقلاليتها، من دون أن تتاح للفلسـطينيين حتى فرصه نقل أثاثهم أو حصاد محاصـيلهم الزراعيه، ويحصل كل هذا فى الغالب أمام الأعين المذعوره الدامعه للنساء والأطفال الذين يشهدون ضرب وإصابه أفراد عوائلهم، أو نقلهم فى بعض الأحيان إلى مراكز التعذيب المرعبه. ترى هل تعرفون فى عالم اليوم

قسوه بهـذا الحجم والأبعـاد وبهـذا الاسـتمرار عبر الزمن؟ إمطار سـيده بالرصاص فى وسط الشارع لمجرد الاعتراض على جنـدى مدجّج بالسـلاح، إنْ لم يكن إرهابـاً فمـا هو إذن؟ وهل من الصـحيح أن لا تعـدّ هـذه البربريه تطرفاً لأنها ترتكب من قبل قوات شرطه حكومه محتله؟ أو بما أن هذه الصور تكررت على شاشات التلفزه منذ ستين سنه، فإنها يجب أن لا تستفز ضمائرنا؟

الحملات العسـكريه التى تعرض لها العالم الإسـلامى فى السنوات الأخيره، والتى تسببت فى الكثير من الضحايا، هى نموذج آخر لمنطق الغرب المتناقض. البلدان التى تعرضت للهجمات ، فقدت بناها التحتيه الاقتصاديه والصناعيه، وتعرضت مسيرتها نحو الرقى والتنميه إمـا للتوقف أو التبـاطؤ، وفى بعض الأحيان تراجعت لعشـرات الأعوام فضـلًا عن ما تحملته من خسائر إنسانيه. ورغم كل هـذا يطلب منهم بوقاحه أن لا يعتبروا أنفسـهم مظلومين. كيف يمكن تحويل بلـد إلى أنقاض وإحراق مـدنه وقراه وتحويلها إلى رماد، ثم يقال لأهاليه لا تعتبروا أنفسـكم مظلومين رجاء! أليس الأفضل الاعتـذار بصـدق بدل الدعوه إلى تعطيل الفهم أو نسـيان الفجـائع؟ إن الألـم الـذى تحمله العالم الإسـلامى خلال هـذه الأعوام من نفاق المهاجمين وسـعيهم لتنزيه ساحتهم ليس بأقل من الخسائر الماديه.

أيها الشـباب الأعزاء، إننى آمل أن تغيروا أنتم فى الحاضـر أو المسـتقبل هذه العقليه الملوثه بالتزييف والخداع، العقليه التى تمتاز بإخفاء الأهداف البعيده وتجميل الأغراض الخبيثه. أعتقد أن الخطوه الأولى فى توفير الأمن والاسـتقرار هى إصـلاح هذه الأفكار المنتجه للعنف. وطالمـا تسود المعـايير المزدوجه على السـياسه الغربيه، وطالمـا يقسّم الإرهاب فى أنظار حماته الأقوياء إلى أنواع حسـنه وأخرى سـيئه، وطالما يتم ترجيـح مصالح الحكومات على القيم الإنسانيه والأخلاقيه، ينبغى عدم البحث عن جذور العنف فى أماكن أخرى.

لقد ترسّخت

للأسف هـذه الجذور تدريجياً على مدى سـنين طويله فى أعماق السـياسات الثقافيه للغرب أيضاً، وراحت تعِدّ لغزو ناعم صامت. الكثير من بلـدان العـالم تعتز بثقافاتها المحليه الوطنيه، تلك الثقافات التى غـذّت المجتمعات البشـريه على نحو جيـد طوال مئات الأعـوام محـافظه على إزدهارهـا وإنجابهـا. والعالم الإسـلامى ليس اسـتثناء لهـذه الحاله. ولكن العالم الغربى اسـتخدم فى الحقبه المعاصـره، أدوات متطوره مصـرّاً على الاسـتنساخ والتطبيع الثقـافى فى العالم. إننى أعتبر فرض الثقافه الغربيه على سائر الشـعوب، واستصـغار الثقافات المسـتقله، عنفاً صامتاً وعظيم الضرر. ويتم إذلال الثقافات الغنيه والإسائه لأكثر جوانبها حرمه، رغم أن الثقافه البـديله لا تسـتوعب أن تكون البـديل لها على الإطلاق. وعلى سبيل المثال، إن عنصـرى «الصـخب» و«التحلل الأخلاقى» اللـذين تحوّلا للأسف إلى مكوّنين أصليين فى الثقافه الغربيه، هبطا بمكانتها ومدى قبولها حتى فى موطن ظهورها. والسؤال الآن هو: هل هو ذنبنـا نحن أننا نرفض ثقافه عـدوانيه متحلله بعيـده عن القيم؟ هل نحن مقصّـرين إذا منعنا سـيلاً مـدمراً ينهال على شـبابنا على شكل نتاجات شبه فنيه مختلفه؟

إننى لا أنكر أهميه الأواصـر الثقافيه وقيمتها. وهذه الأواصـر متى ما حصـلت فى ظروف طبيعيه وشـهدت احترام المجتمع المتلقى لها سـتنتج التطور والإزدهار والإثراء. وفى المقابل فإن الأواصـر غير المتناغمه والمفروضه سـتعود فاشـله جالبه للخسائر. يجب أن أقول بمنتهى الأسـف أن جماعـات دنيئه مثـل "داعش" هى ثمره مثـل هـذه الصـلات الفاشـله مع الثقافـات الوافـده. فـإذا كـانت المشـكله عقيديه حقاً لوجب مشاهده نظير هذه الظواهر فى العالم الإسلامى قبل عصر الاستعمار أيضاً، فى حين أن التاريخ يشهد بخلاف ذلك. التوثيقات التاريخيه الأكيـده تـدلّ بوضوح كيف أن التقاء الاسـتعمار بفكر متطرف منبوذ نشأ فى كبد قبيله بدويه، زرع بذور التطرف فى هذه

المنطقه. وإلّا كيف يمكن أن يخرج من واحده من أكثر المدارس الدينيه أخلاقاً وإنسانيه فى العالم ، والتى تعتبر وفق نصها الأصلى أن قتل إنسان واحد يعدّ بمثابه قتل الإنسانيه كلها، كيف يمكن أن يخرج منها زبلٌ مثل "داعش"؟

ومن جانب آخر ينبغى السؤال: لماذا ينجذب من وُلِد فى أوربا وتربّى فى تلك البيئه الفكريه والروحيه إلى هذا النوع من الجماعات؟ هل يمكن التصديق بأن الأفراد ينقلبون فجأه بسفره أو سفرتين إلى المناطق الحربيه إلى متطرفين يمطرون أبناء وطنهم بالرصاص؟ وبالتأكيد علينا أن لاننسى تاثيرات التغذيه الثقافيه غير السليمه فى بيئه ملوثه ومنتجه للعنف طوال سنوات عمر هولاء. ينبغى الوصول الى تحليل شامل فى هذا الخصوص، تحليل يكشف النقاب عن الأدران الظاهره والخفيه فى المجتمع. وربما كانت الكراهيه العميقه التى زرعت فى قلوب شرائح من المجتمعات الغربيه طوال سنوات الازدهار الصناعى والاقتصادى، ونتيجه حالات عدم المساواه، وربما حالات التمييز القانونيه والبنيويه، قد أوجدت عقداً تتفجّر بين الحين والآخر بهذه الأشكال المريضه.

على كل حال، أنتم الذين يجب أن تتجاوزوا الصور الظاهريه لمجتمعاتكم، وتجدوا مكامن العقد والأحقاد وتكافحوها. ينبغى ترميم الهوّات بدل تعميقها. الخطأ الكبير فى محاربه الإرهاب هو القيام بردود الأفعال المتسرّعه التى تزيد من حالات القطيعه الموجوده. أيه خطوه هياجيه متسرعه تدفع المجتمع المسلم فى أوربا وأمريكا، والمكوّن من ملايين الأفراد الناشطين المتحمّلين لمسؤولياتهم، نحو العزله أو الخوف والاضطراب، وتحرمهم أكثر من السابق من حقوقهم الأساسيه، وتقصيهم عن ساحه المجتمع، لن تعجز فقط عن حل المشكله بل ستزيد المسافات الفاصله وتكرّس الحزازات. التدابير السطحيه والانفعاليه، خصوصاً إذا شرعنت وأضفى عليها الطابع القانونى، لن تثمر سوى تكريس الاستقطابات القائمه وفتح الطريق أمام أزمات مستقبليه.

وفقاً لما وصل من

أنباء، فقد سنّت فی بعض البلدان الأوربیه مقررات تدفع المواطنین للتجسس علی المسلمین. هذه السلوکیات ظالمه، وکلنا یعلم أن الظلم یعود عکسیا شئنا أم أبینا. ثم إن المسلمین لا یستحقون هذا الجحود. العالم الغربی یعرف المسلمین جیداً منذ قرون. إذ یوم کان الغربیون ضیوفاً فی دارالإسلام وامتدت أعینهم إلی ثروات أصحاب الدار، أو یوم کانوا مضیّفین وانتفعوا من أعمال المسلمین وأفکارهم، لم یلاقوا منهم فی الغالب سوی المحبه والصبر. وعلیه، فإننی أطلب منکم أیها الشباب أن ترسوا أسس تعامل صحیح وشریف مع العالم الإسلامی، قائم علی رکائز معرفه صحیحه عمیقه، ومن منطلق الاستفاده من التجارب المریره. فی هذه الحاله ستجدون فی مستقبل غیر بعید أن البناء الذی شیّدتموه علی هذه الأسس یمدّ ظلال الثقه والاعتماد علی رؤوس بُناته، ویهدیهم الأمن والطمأنینه، ویشرق بأنوار الأمل بمستقبل زاهر علی أرض المعموره.

السید علی الخامنئی

۲۹ نوفمبر/تشرین الثانی ۲۰۱۵

اردو

مغربی ملکوں کے نوجوانوں کے نام خط؛ ناگوار واقعات سے سبق لیکر اچھے مستقبل کی تعمیر کی دعوت

آپ نے اسرائیل کی سرکاری دہشت گردی کی پشت پناہی اور عالم اسلام پر حالیہ برسوں میں کی جانے والی تباہ کن لشکر کشی کا حوالہ دیتے ہوئے مغربی نوجوانوں کو مخاطب کرکے فرمایا کہ میں آپ نوجوانوں سے چاہتا ہوں کہ صحیح شناخت اور گہرے تدبر کے ساتھ اور ناگوار تجربات سے سبق لیتے ہوئے عالم اسلام کے ساتھ باعزت اور صحیح رشتوں کی بنیاد رکھیئے۔ رہبر انقلاب اسلامی کے خط کا اردو ترجمہ ملاحظہ فرمائیے؛

بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـٰنِ الرَّحِيمِ

مغربی ملکوں کے تمام نوجوانوں کے نام

اندھی دہشت گردی نے فرانس میں جو تلخ سانحے رقم کئے، ان سانحوں نے مجھے ایک بار پھر آپ نوجوانوں سے گفتگو پر مجبور کر دیا۔ میرے لئے یہ افسوس کا مقام ہے کہ گفتگو

کی وجہ اس طرح کے واقعات بنیں، لیکن حقیقت یہ ہے کہ اگر دردناک مسائل، چارہ جوئی کی زمین اور ہم خیالی کا میدان فراہم نہ کریں تو دگنا نقصان ہوگا۔ دنیا میں کسی بھی جگہ پر کسی بھی انسان کا رنج و الم اپنے آپ میں تمام نوع انسانی کے لئے اندوہناک ہوتا ہے۔ وہ منظر کہ بچے اپنے عزیزوں کے سامنے دم توڑ دیتا ہے، ایک ماں جس کے خاندان کی خوشی سوگ میں تبدیل ہو جاتی ہے، ایک شوہر اپنی بیوی کا بے جان جسم اٹھائے کسی سمت بھاگ رہا ہے، یا وہ تماشائی کہ جسے نہیں معلوم کہ چند لمحے بعد اپنی زندگی کا آخری سین دیکھنے جا رہا ہے۔ یہ ایسے مناظر نہیں ہیں جو دیکھنے والے کے احساسات و جذبات کو جھنجھوڑ نہ دیں۔ جس کے اندر بھی محبت و انسانیت کی کوئی رمق ہے، یہ مناظر دیکھ کر متاثر اور رنجیدہ ہوگا؛ خواہ وہ فرانس میں رونما ہوں یا فلسطین و عراق و لبنان و شام میں۔ یقینا ڈیڑھ ارب مسلمانوں کے یہی احساسات ہیں اور وہ ان المیوں کو انجام دینے والوں اور ذمہ داروں سے بیزار اور متنفر ہیں۔ لیکن مسئلہ یہ ہے کہ اگر آج کے یہ رنج و الم بہتر اور زیادہ محفوظ مستقبل کی تعمیر کی بنیاد نہ بنیں تو ان کی حیثیت تلخ و بے ثمر یادوں تک محدود ہوکر رہ جائے گی۔ یہ میرا نظریہ ہے کہ صرف آپ نوجوان ہی آج کے ناموافق تغیرات سے سبق لیکر مستقبل کی تعمیر کی نئی راہیں تلاش کرنے اور اس انحرافی پیش قدمی

کو روکنے پر قادر ہوں گے جس نے مغرب کو آج اس مقام پر پہنچا دیا ہے۔

یہ صحیح ہے کہ دہشت گردی آج ہمارا اور آپ کا مشترکہ درد ہے۔ لیکن آپ کو یہ معلوم ہونا چاہئے کہ جس بد امنی اور اضطراب کا سامنا آپ نے حالیہ سانحے میں کیا، اور اس رنج و الم میں جسے عراق، یمن، شام اور افغانستان کے عوام برسوں سے جھیل رہے ہیں، دو بنیادی فرق پائے جاتے ہیں۔ ایک تو یہ کہ عالم اسلام حدود کے اعتبار سے کئی گنا زیادہ وسیع علاقے میں، اس سے کئی گنا زیادہ حجم کے ساتھ اور بہت زیادہ طولانی مدت کے دوران تشدد اور دہشت کی بھینٹ چڑھتا رہا ہے۔ دوسرے یہ کہ بد قسمتی سے اس تشدد کی ہمیشہ بعض بڑی طاقتوں کی طرف سے گوناگوں روشوں سے اور بہت موثر انداز میں حمایت کی جاتی رہی ہے۔ آج شاید ہی کوئی شخص ہو جسے القاعدہ، طالبان اور اس منحوس سلسلے کی کڑیوں کی تشکیل، انہیں تقویت پہنچانے اور اسلحے فراہم کرنے میں ریاستہائے متحدہ امریکا کے کردار کا علم نہ ہو۔ اس براہ راست پشت پناہی کے ساتھ ساتھ، تکفیری دہشت گردی کے جانے پہچانے اور اعلانیہ حامی پسماندہ ترین سیاسی نظام رکھنے کے باوجود، ہمیشہ مغرب کے اتحادیوں کی صف میں شامل رہے ہیں، جبکہ علاقے میں پنپتی جمہوریت سے نکلنے والے روشن ترین اور پیشرفتہ ترین نظریات کی بے رحمی سے سرکوبی کی گئی ہے۔ عالم اسلام میں بیداری کی تحریک کے ساتھ مغرب کا دوہرا رویہ مغربی پالیسیوں کے تضاد کا منہ بولتا ثبوت ہے۔

اس

تضاد کا ایک اور روپ اسرائیل کی سرکاری دہشت گردی ہے۔ فلسطین کے ستم دیدہ عوام ساٹھ سال سے زیادہ عرصہ سے بدترین قسم کی دہشت گردی کا سامنا کر رہے ہیں۔ اگر آج یورپ کے عوام چند روز اپنے گھروں میں پناہ لینے پر مجبور ہیں اور پرہجوم مقامات پر جانے سے اجتناب کر رہے ہیں تو فلسطینی خاندان دسیوں سال سے حتی خود اپنے گھر میں بھی صیہونی حکومت کی انہدامی اور قتل و غارت کی مشین سے محفوظ نہیں ہیں۔ آج تشدد کی کون سی ایسی قسم ہے کہ قسی القلبی کے اعتبار سے جس کا موازنہ صیہونی حکومت کی کالونیوں کی تعمیر سے کیا جا سکتا ہے؟ یہ حکومت اپنے بااثر حامیوں یا ظاہری طور پر خود مختار نظر آنے والے بین الاقوامی اداروں کی طرف سے کسی طرح کی سنجیدہ اور موثر سرزنش کا سامنا کئے بغیر، روزانہ فلسطینیوں کے گھروں کو مسمار کرتی ہے، ان کے باغات اور کھیتیوں کو نابود کرتی ہے، یہاں تک کہ انہیں اسباب زندگی کو کہیں منتقل کرنے یا کھیتوں کی فصلیں کاٹنے تک کی مہلت نہیں دیتی۔ یہ سب کچھ عام طور پر عورتوں اور بچوں کی آشکبار آنکھوں کے سامنے ہوتا ہے، جو اپنے افراد خاندان کو زد و کوب ہوتے اور بعض اوقات عقوبت خانوں میں منتقل ہوتے دیکھ رہے ہوتے ہیں۔ کیا آج کی دنیا میں آپ اتنے وسیع پیمانے پر، اس حجم کے ساتھ اور اس تسلسل کے ساتھ انجام پانے والی کسی اور قسی القلبی سے واقف ہیں؟ سر سے پاؤں تک مسلح فوجی کے سامنے صرف اعتراض

کر دینے کے جرم میں بیچ سڑک پر ایک خاتون کو گولیوں سے بھون دینا اگر دہشت گردی نہیں تو کیا ہے؟ یہ بربریت چونکہ ایک غاصب حکومت کے فوجی انجام دے رہے ہیں تو کیا اسے انتہا پسندی نہیں کہنا چاہئے؟ یا صرف اس بنا پر کہ یہ تصاویر سالہا سال سے ٹی وی کے اسکرینوں پر بار بار نظر آتی رہی ہیں، ہمارے ضمیروں کو نہ جھنجوڑیں!

حالیہ برسوں میں عالم اسلام پر لشکر کشی کہ جس میں بے شمار جانیں تلف ہوئیں، مغرب کی تضاد آمیز روش کا ایک اور نمونہ ہے۔ حملے کا نشانہ بننے والے ممالک نے جانی نقصانات اٹھائے، اس کے علاوہ ان کا اقتصادی و صنعتی انفراسٹرکچر ختم ہو گیا ہے، نمو و ترقی کی جانب ان کی پیش قدمی کا عمل کند ہو گیا ہے، بعض معاملات میں وہ دسیوں سال پیچھے چلے گئے ہیں۔ اس کے باوجود گستاخی کے ساتھ ان سے کہا جاتا ہے کہ خود کو مظلوم نہ سمجھیں۔ یہ کیسے ممکن ہے کہ کسی ملک کو ویرانے میں تبدیل کر دیا جائے، اس کے شہروں اور قریوں کو راکھ کے ڈھیر میں بدل دیا جائے اور پھر اس سے کہا جائے کہ براہ مہربانی آپ خود کو ستم دیدہ نہ مانئے! سانحوں کو بھول جانے اور انہیں نہ سمجھنے کی دعوت دینے کے بجائے کیا سچائی سے معذرت کر لینا زیادہ بہتر نہیں ہے؟ ان برسوں کے دوران عالم اسلام کو حملہ آوروں کے دوہرے رویئے اور مصنوعی چہروں سے جو رنج پہنچا ہے وہ مادی خسارے سے کم نہیں ہے۔

عزیز نوجوانو! میں امید

کرتا ہوں کہ آپ اسی وقت یا مستقبل میں فریب سے آلودہ اس ذہنیت کو تبدیل کریں گے، اس ذہنیت کو جس کا ہنر دراز مدتی اہداف کو پنہاں رکھنا اور موذیانہ اغراض و مقاصد پر ملمع چڑھا دینا ہے۔ میری نظر میں سلامتی و آسودگی قائم کرنے کے سلسلے میں پہلا مرحلہ اس تشدد انگیز فکر کی اصلاح کرنا ہے۔ جب تک مغرب کی سیاست پر دوہرے معیار حکمفرما رہیں گے، جب تک دہشت گردی کو اس کے حامی اچھی اور بری قسموں میں تقسیم کرتے رہیں گے اور جب تک حکومتوں کے مفادات کو انسانی و اخلاقی اقدار پر ترجیح دی جاتی رہے گی، اس وقت تک تشدد کی جڑوں کو کہیں اور تلاش کرنے کی ضرورت نہیں ہے۔

افسوس کی بات ہے کہ یہ جہیں برسوں کی اس مدت میں بتدریج مغرب کی ثقافتی پالیسیوں کی گہرائیوں تک پہنچ گئی ہیں اور ایک خاموش اور نامحسوس یلغار کا راستہ ہموار ہوا ہے۔ دنیا کے بہت سے ممالک اپنی ملی و مقامی ثقافت پر ناز کرتے ہیں، ان ثقافتوں پر جو بالیدگی و نمو کے عالم میں سیکڑوں سال سے انسانی معاشروں کو بنحو احسن سیراب کرتی آئی ہیں۔ عالم اسلام بھی اس سے مستثنی نہیں ہے۔ لیکن دور حاضر میں مغربی دنیا پیشرفتہ وسائل کی مدد سے دنیا کی ثقافتوں کو ایک جیسا بنا دینے پر بضد ہے۔ میں دیگر اقوام پر مغرب کی ثقافت مسلط کئے جانے اور خود مختار ثقافتوں کو پست قرار دئے جانے کو ایک خاموش اور انتہائی زیادہ بار تشدد مانتا ہوں۔ غنی ثقافتوں کی تحقیر اور ان

کہ محترم ترین پہلوؤں کی توہین ایسے عالم میں کی جا رہی ہے کہ اس کی جگہ لینے والی ثقافت میں ہرگز جانشینی کی لیاقت نہیں ہے۔ مثال کے طور پر دو عناصر 'جارحانہ رویہ' اور 'اخلاقی بے راہروی' نے جو بد قسمتی سے مغربی ثقافت کے بنیادی پہلو بن چکے ہیں، اس کی مقبولیت اور پوزیشن کو خود وہاں تنزل سے دوچار کر دیا ہے جہاں یہ وجود میں آئی۔ اب سوال یہ ہے کہ اگر ہم روحانیت سے گریزاں، تشدد پسند اور فحاشی کی ثقافت کو قبول نہ کریں تو کیا ہم گنہگار ہیں؟ اگر ہم اس تباہ کن سیلاب کا راستہ روک دیں جو نام نہاد آرٹ کی گوناگوں شکلوں میں ہمارے نوجوانوں کی طرف روانہ کیا جاتا ہے تو کیا ہم نے جرم کیا ہے؟ میں ثقافتی رشتوں کی قدر و قیمت کا منکر نہیں ہوں۔ یہ رشتے جب بھی فطری حالات میں اور میزبان معاشرے کے احترام کے ساتھ قائم ہوئے ہیں، ان سے نمو، بالیدگی اور بے نیازی ملی ہے۔ اس کے برخلاف ناہموار اور مسلط کردہ رشتے ناکام اور ضرر رساں ثابت ہوئے ہیں۔ نہایت افسوس کے ساتھ مجھے کہنا پڑتا ہے کہ داعش جیسے پست گروہ امپورٹڈ ثقافتوں سے انہیں ناکام رشتوں کی پیداوار ہیں۔ اگر خرابی عقیدے میں ہوتی تو استعماری دور سے پہلے بھی عالم اسلام میں ایسے گروہ نمودار ہوتے۔ جبکہ تاریخ اس کے برخلاف گواہی دیتی ہے۔ مسلمہ تاریخی حقائق سے واضح طور پر پتہ چلتا ہے کہ کس طرح ایک بادیہ نشین قبیلے کے اندر موجود انتہا پسندانہ اور رد کر دئے

گئے نظریے سے استعمار کے ملاپ نے اس علاقے میں انتہا پسندی کا بیج بو دیا؟! ورنہ کیونکر ممکن ہے کہ دنیا کے اخلاقی ترین اور انسان دوست ترین مکتب فکر سے جس کے بنیادی متن میں ایک انسان کی جان لینے کو تمام بشریت کے قتل کے مترادف قرار دیا گیا ہو، داعش جیسا کوڑا باہر آئے؟

دوسری جانب یہ سوال بھی کرنا چاہئے کہ وہ لوگ جو یورپ میں پیدا ہوئے اور اسی ماحول میں فکری و نفسیاتی پرورش پائی، اس قسم کے گروہوں کی جانب کیوں مائل ہو رہے ہیں؟ کیا یہ تسلیم کیا جا سکتا ہے کہ کچھ افراد جنگ زدہ علاقوں کا ایک دو سفر کرکے یکبارگی اتنے انتہا پسند بن جائیں کہ اپنے ہی ہم وطنوں پر گولیوں کی بوچھار کر دیں؟ تشدد سے پیدا ہوئے آلودہ ماحول میں پوری عمر فاسد ثقافتی تغذیہ کی تاثیر کو ہرگز فراموش نہیں کرنا چاہئے۔ اس سلسلے میں جامع تجزیہ کرنا چاہئے، ایسا تجزیہ جو سماج کی پنہاں اور نمایاں آلودگیوں کا احاطہ کرے۔ شاید صنعتی و اقتصادی ترقی کے برسوں میں عدم مساوات اور بعض اوقات قانونی و ساختیاتی تفریق کے نتیجے میں مغربی سماجوں کے کچھ طبقات کے اندر بوئی گئی گہری نفرت نے ایسی گرہیں ایجاد کر دی ہیں جو وقفے وقفے سے اس بیمار شکل میں کھلتی ہیں۔

بہرحال آپ ہی کو اپنے سماج کی ظاہری پرتوں کو شگافتہ کرکے گرہوں اور کینوں کو تلاش اور ختم کرنا ہے۔ خلیج کو اور گہرا کرنے کے بجائے اسے پاٹنا چاہئے۔ دہشت گردی سے مقابلے میں سب سے بڑی غلطی عجلت پسندانہ

رد عمل ہے جو موجودہ فاصلوں کو اور بڑھاتا ہے۔ ہیجان اور جلدبازی میں کیا جانے والا ہر اقدام جو یورپ اور امریکا میں سکونت پذیر مسلم برادری کو جس میں دسیوں لاکھ فعال اور ذمہ دار انسان شامل ہیں، الگ تھلگ، ہراساں اور مضطرب کرے، ماضی سے بھی زیادہ انہیں ان کے بنیادی حقوق سے محروم کرے اور سماج کے اصلی دھارے سے دور کر دے، وہ نہ صرف یہ کہ مشکل کا حل نہیں ہے بلکہ فاصلوں میں مزید گہرائی اور کدورتوں میں مزید اضافہ کا باعث بنے گا۔ سطحی اور انتقامی تدابیر، بالخصوص اگر اسے قانونی جواز بھی دے دیا جائے، کا نتیجہ موجودہ پولرائیزیشن میں مزید اضافہ اور مستقبل کے بحرانوں کا راستہ ہموار ہونے کے علاوہ کچھ نہیں نکلے گا۔ موصولہ اطلاعات کے مطابق بعض یورپی ممالک میں ایسے قانون وضع کئے گئے ہیں کہ جو شہریوں کو مسلمانوں کی جاسوسی کی ترغیب دلاتے ہیں۔ یہ برتاؤ ظالمانہ ہے اور ہم سب جانتے ہیں کہ ظلم لا محالہ (خود ظالم کی طرف) پلٹ کر آنے کی خاصیت رکھتا ہے۔ دوسرے یہ کہ مسلمان اس ناقدری کے مستحق نہیں ہیں۔ مغربی دنیا صدیوں سے مسلمانوں کو بخوبی پہچانتی ہے۔ اس دور میں بھی جب اہل مغرب اسلامی سرزمین میں مہمان بن کر آئے اور صاحب خانہ کی دولت پر ان کی نگاہیں گڑ گئیں اور اس دور میں بھی جب وہ میزبان تھے اور انہوں نے مسلمانوں کی فکر و عمل سے استفادہ کیا، اکثر انہوں نے مہربانی اور رواداری کے علاوہ کچھ نہیں دیکھا ہے۔ بنابریں میں آپ نوجوانوں سے

گزارش کرتا □و□ ک□ ایک صحیح شناخت اور گ□ر□ ادراک کی بنیاد پر اور ناگوار تجربات س□ سبق لیت□ □وئ□ عالم اسلام ک□ سات□ صحیح اور باعزت رشت□ کی داغ بیل رک□ئ□□ ایسا □وا تو و□ دن دور ن□یں□ جب آپ دیک□یں□ گ□ ک□ اس 'نتیج□' کی بنیاد پر تعمیر کی گئی عمارت اپن□ معمارو□ ک□ سرو□ پر اعتماد و اطمینان کا سای□ کئ□ □وئ□ □□، ان□یں□ تحفظ اور آسودگی کی حرارت عطا کر ر□ی □□ اور روئ□ زمین پر تابناک مستقبل کی امیدو□ کی روشنی بک□یر ر□ی □□□

سید علی خامنه ای

۸ آذر ۱۳۹۴ (□جری شمسی مطابق ۲۹ نومبر ۲۰۱۵)

English

Today terrorism is our common worry

The bitter events brought about by blind terrorism in France have once again, moved .me to speak to you young people

.Your browser does not support the audio tag

In the Name of God, the Beneficent, the Merciful

,To the Youth in Western Countries

The bitter events brought about by blind terrorism in France have once again, moved me to speak to you young people. For me, it is unfortunate that such incidents would have to create the framework for a conversation, however the truth is that if painful matters do not create the grounds for finding solutions and mutual consultation, then .the damage caused will be multiplied

Anyone who has benefited from affection and humanity is affected and disturbed by witnessing these scenes- whether it occurs in France or in Palestine or Iraq or .Lebanon or Syria

The pain of any human being anywhere in the world causes sorrow for a fellow human being. The sight of a child losing his life in the presence

of his loved ones, a mother whose joy for her family turns into mourning, a husband who is rushing the lifeless body of his spouse to some place and the spectator who

does not know whether he will be seeing the final scene of life- these are scenes that rouse the emotions and feelings of any human being. Anyone who has benefited from affection and humanity is affected and disturbed by witnessing these scenes- .whether it occurs in France or in Palestine or Iraq or Lebanon or Syria

Without a doubt, the one-and-a-half billion Muslims also have these feelings and abhor and are revolted by the perpetrators and those responsible for these calamities. The issue, however, is that if today's pain is not used to build a better and safer future, then it will just turn into bitter and fruitless memories. I genuinely believe that it is only you the youth who by learning the lessons of today's hardship, have the power to discover new means for building the future and who can be barriers in the .misguided path that has brought the west to its current impasse

It is correct that today terrorism is our common worry. However, it is necessary for you to know that the insecurity and strain that you experienced during the recent events, differ from the pain that the people of Iraq, Yemen, Syria and Afghanistan have been experiencing for many years, in two significant ways. First, the Islamic world has been the victim of terror and brutality to a larger

extent territorially, to greater amount quantitatively and for a longer period in terms of time. Second, that unfortunately this violence has been supported by certain great .powers through various methods and effective means

Today, there are very few people who are uninformed about the role of the United States of America in creating, nurturing and arming al-Qaeda, the Taliban and their inauspicious successors. Besides this direct support, the overt and well-known supporters of takfiri terrorism- despite having the most backward political systems- are standing arrayed as allies of the west while the most pioneering, brightest and most dynamic democrats in the region are suppressed mercilessly. The prejudiced response of the west to the awakening movement in the Islamic world is an .illustrative example of the contradictory western policies

I genuinely believe that it is only you the youth who by learning the lessons of today's hardship can be barriers in the misguided path that has brought the west to its .current impasse

The other side of these contradictory policies is seen in supporting the state terrorism of Israel. The oppressed people of Palestine have experienced the worst kind of terrorism for the last sixty years. If the people of Europe have now taken refuge in their homes for a few days and refrain from being present in busy places- it is decades that a Palestinian family is not secure even in its own home from the Zionist regime's death and destruction machinery. What kind of atrocious violence today is comparable to that of the

?settlement constructions of the Zionist regime

This regime- without ever being seriously and significantly censured by its influential allies or even by the so-called independent international organizations- everyday demolishes the homes of Palestinians and destroys their orchards and farms. This is done without even giving them time to gather their belongings or agricultural products and usually it is done in front of the terrified and tear-filled eyes of women and children who witness the brutal beatings of their family members who in some cases are being dragged away to gruesome torture chambers. In today's world, do we know of any other violence on this scale and scope and for such an extended ?period of time

Shooting down a woman in the middle of the street for the crime of protesting against a soldier who is armed to the teeth- if this is not terrorism, what is? This barbarism, because it is being done by the armed forces of an occupying government, should not be called extremism? Or maybe only because these scenes have been seen repeatedly on television screens for sixty years, they should no longer stir our .consciences

Dear youth! I have the hope that you- now or in the future- can change this mentality corrupted by duplicity, a mentality whose highest skill is hiding long-term goals and .adorning malevolent objectives

The military invasions of the Islamic world in recent years- with countless victims- are another example of the contradictory logic of the west. The assaulted countries, in addition to the human damage caused, have lost their

economic and industrial infrastructure, their movement towards growth and development has been stopped or delayed and in some cases, has been thrown back decades. Despite all this, they are rudely being asked not to see themselves as oppressed. How can a country be turned into ruins, have its cities and towns covered in dust and then be told that it should please not view itself as oppressed? Instead of enticements to not understand and to not mention disasters, would not an honest apology be better? The pain that the Islamic world has suffered in these years from the hypocrisy and duplicity of the invaders is not less than the pain from the material .damage

Dear youth! I have the hope that you- now or in the future- can change this mentality corrupted by duplicity, a mentality whose highest skill is hiding long-term goals and adorning malevolent objectives. In my opinion, the first step in creating security and peace is reforming this violence-breeding mentality. As long as double-standards dominate western policies, as long as terrorism- in the view of its powerful supporters- is divided into "good" and "bad" types, and as long as governmental interests are given precedence over human values and ethics, the roots of violence .should not be searched for in other places

I consider the imposition of western culture upon other peoples and the trivialization .of independent cultures as a form of silent violence and extreme harmfulness

Unfortunately, these roots have taken hold in the depths of western cultural policies over the course of

many years and they have caused a soft and silent invasion. Many countries of the world take pride in their local and national cultures, cultures which through development and regeneration have soundly nurtured human societies for centuries. The Islamic world is not an exception to this. However in the current era, the western world with the use of advanced tools is insisting on the cloning and replication of its culture on a global scale. I consider the imposition of western culture upon other peoples and the trivialization of independent cultures as a form of silent violence and .extreme harmfulness

Humiliating rich cultures and insulting the most honored parts of these, is occurring while the alternative culture being offered in no way has any qualification for being a replacement. For example, the two elements of "aggression" and "moral promiscuity" which unfortunately have become the main elements of western culture, have even .degraded the position and acceptability of its source region

So now the question is: are we "sinners" for not wanting an aggressive, vulgar and fatuous culture? Are we to be blamed for blocking the flood of impropriety that is directed towards our youth in the shape of various forms of quasi-art? I do not deny the importance and value of cultural interaction. Whenever these interactions are conducted in natural circumstances and with respect for the receiving culture, they result in growth, development and richness. On the contrary, inharmonious .interactions have been unsuccessful and harmful impositions

We have to state with full regret that vile groups such

as DAESH are the spawn of such ill-fated pairings with imported cultures. If the matter was simply theological, we would have had to witness such phenomena before the colonialist era, yet history shows the contrary. Authoritative historical records clearly show how colonialist confluence of extremist and rejected thoughts in the heart of a Bedouin tribe, planted the seed of extremism in this region. How then is it possible that such garbage as DAESH comes out of one of the most ethical and humane religious schools which as part of its inner core, includes the notion that ?taking the life of one human being is equivalent to killing the whole of humanity

One has to ask why people who are born in Europe and who have been intellectually and mentally nurtured in that environment are attracted to such groups? Can we really believe that people with only one or two trips to war zones, suddenly become so extreme that they can riddle the bodies of their compatriots with bullets? On this matter, we certainly cannot forget about the effects of a life nurtured in a pathologic culture in a corrupt environment borne out of violence. On this matter, we need complete analyses, analyses that see the hidden and apparent corruptions. Maybe a deep hate- planted in the years of economic and industrial growth and borne out of inequality and possibly legal and structural prejudice- created ideas that every few .years appear in a sickening manner

Any rushed and emotional reaction which would isolate, intimidate and create

more anxiety for the Muslim communities living in Europe and America not only will .not solve the problem but will increase the chasms and resentments

In any case, you are the ones that have to uncover the apparent layers of your own society and untie and disentangle the knots and resentments. Fissures have to be sealed, not deepened. Hasty reactions are a major mistake when fighting terrorism which only widens the chasms. Any rushed and emotional reaction which would isolate, intimidate and create more anxiety for the Muslim communities living in Europe and America- which are comprised of millions of active and responsible human beings- and which would deprive them of their basic rights more than has already happened and which would drive them away from society- not only will not .solve the problem but will increase the chasms and resentments

Superficial measures and reactions, especially if they take legal forms, will do nothing but increase the current polarizations, open the way for future crises and will result in nothing else. According to reports received, some countries in Europe have issued guidelines encouraging citizens to spy on Muslims. This behavior is unjust and we all know that pursuing injustice has the characteristic of unwanted reversibility. Besides, the Muslims do not deserve such ill-treatment. For centuries, the western world has known Muslims well- the day that westerners were guests in Islamic lands and were attracted to the riches of their hosts and on another day when they were hosts and -benefitted from the efforts and thoughts of Muslims

.they generally experienced nothing but kindness and forbearance

Therefore I want you the youth to lay the foundations for a correct and honorable interaction with the Islamic world based on correct understanding, deep insight and lessons learned from horrible experiences. In such a case and in the not too distant future, you will witness the edifice built on these firm foundations which creates a shade of confidence and trust which cools the crown of its architect, a warmth of security and peace that it bequests on them and a blaze of hope in a bright future .which illuminates the canvass of the earth

Sayyid Ali Khamenei

٨th of Azar, ١٣٩۴ - ٢٩th of Nov, ٢٠١۵

Français

La seconde lettre du Guide Suprême aux jeunes d'Europe

Grâce au nom de Dieu, Clément et Miséricordieux

! À tous les jeunes citoyens des pays occidentaux

Les événements amers que le terrorisme aveugle a provoqués en France m'ont poussé à parler encore une fois à vous, les jeunes. Personnellement, je trouve déplorable que ce soit de tels événements qui donnent lieu à des échanges de paroles entre nous, mais la vérité est que si de telles questions douloureuses ne préparent pas le terrain à la recherche de solutions et à des échanges d'idées, les dommages en seront redoublés. La peine de tout être humain est attristante pour ses frères. Des scènes comme celle d'un enfant qui perd la vie devant les yeux de ses parents, d'une mère qui voit la joie de sa famille se transformer en deuil, d'un mari qui porte le corps agonisant de son épouse espérant vainement quelques secours ou d'un

spectateur qui ne sait pas qu'il est en train de passer les derniers moments de sa vie, ne sont pas des scènes qui ne provoquent pas d'émotions et de sentiments humains. Tous ceux qui possèdent un minimum de compassion et d'humanité, sont émus et attristés de voir ces scènes que ce soit en France, en Palestine, en Irak, au Liban ou en Syrie. Certes, un milliard et demi de musulmans partagent ce sentiment et éprouvent un sentiment de répugnance et d'aversion à l'égard des responsables et des auteurs de ces crimes. Mais maintenant, la question est que si les peines d'aujourd'hui n'aboutissent pas à construire un avenir meilleur et plus rassurant, elles se réduiront à de simples souvenirs amers et inutiles. Je suis persuadé que seuls vous, les jeunes, avez la capacité de tirer des leçons des événements désagréables de ces derniers jours, afin de trouver de nouvelles voies pour construire l'avenir, et .d'empêcher les déviations qui ont conduit l'Occident à sa situation actuelle

Il est vrai qu'aujourd'hui, le terrorisme est un mal commun dont nous souffrons comme vous, mais il faut pourtant que vous sachiez que l'insécurité et le stress que vous avez expérimentés lors de ces récents événements, comportent deux différences essentielles avec les peines qu'ont endurées les peuples d'Irak, du Yémen, de Syrie et d'Afghanistan, pendant des années consécutives. La première différence est que le monde de l'Islam a été victime de la terreur et de la cruauté dans ,une plus large mesure, de manière plus intense et pendant une durée plus longue

et deuxièmement, que ces cruautés sont soutenues de manière efficace et par différents moyens, par certaines superpuissances du monde. Aujourd'hui, plus personne n'ignore le rôle des États-Unis dans la formation, le renforcement et l'armement d'Al-Qaïda, des Talibans et de leurs successeurs néfastes. À côté de ce soutien direct, les protecteurs révélés et bien connus du terrorisme takfiri, sont constamment sur la liste des alliés de l'Occident et ce en dépit de leurs régimes politiques les plus arriérés qui répriment cruellement les idées les plus avancées et les plus éclairées des démocraties dynamiques dans la région. L'attitude contradictoire de l'Occident par rapport à l'Éveil islamique au sein du monde de l'Islam, est un .exemple significatif des contradictions qui existent dans les politiques occidentales

Un autre exemple de ces contradictions est leur soutien inconditionnel au terrorisme gouvernemental d'Israël. Cela fait maintenant plus de soixante ans que le peuple opprimé de Palestine subit le pire genre de terrorisme. Si c'est seulement depuis quelques jours que les Européens se sont réfugiés dans leur maison et évitent de fréquenter les lieux publics, depuis des dizaines d'années, les familles palestiniennes sont en danger, même dans leur propre maison, face à la machines de massacres et de destructions du régime sioniste. Actuellement, quelle cruauté est comparable en férocité, à la construction des colonies du régime sioniste ? Sans être jamais réprimandé de façon sérieuse et efficace, par ses alliés fortement influents, ou par les institutions internationales apparemment indépendantes, ce régime continue à détruire les maisons des Palestiniens, leurs champs et leurs vergers, sans

leur permettre de rassembler leurs meubles ou de faire leur récolte, et tout cela, devant les yeux effrayés et pleins de larmes des femmes et des enfants qui sont témoins de la persécution et des atteintes aux membres de leur famille, et dans certains cas, de leur incarcération dans les prisons les plus effrayantes du monde. Connaissez-vous, dans le monde d'aujourd'hui, une férocité pareille à celle-ci du point de vue de son étendue, de son intensité et de sa durée ? Tirer sur une femme au milieu de la rue, pour la seule raison qu'elle s'est opposée à un soldat armé jusqu'aux dents, si ce n'est pas du terrorisme, alors de quoi s'agit-il ? Cette barbarie ne doit-elle pas être appelée « extrémisme » pour la seule raison qu'elle est commise par la force militaire d'un gouvernement usurpateur ? Ou peut-être que ces images diffusées fréquemment à la télé depuis soixante ans, n'arrivent-elles plus à préoccuper nos consciences !

Les expéditions militaires contre le monde de l'Islam ces dernières années, qui ont laissé d'innombrables victimes, sont un autre exemple de la logique contradictoire de l'Occident ! Les pays agressés, en plus des pertes de leurs citoyens, ont perdu leurs infrastructures économiques et industrielles, et leur mouvement vers le progrès et le développement s'est arrêté ou a été ralenti, et dans certains cas, ils ont subi un retard de dizaines d'années. Cependant, on leur demande avec aplomb, de ne pas se considérer comme des opprimés. Comment est-ce qu'on peut ruiner un pays et anéantir ses villes et

ses villages, et ensuite, demander aux gens de ne pas se considérer comme opprimés ! Au lieu d'inviter à ignorer ou à oublier ces catastrophes, ne serait-il pas mieux de présenter franchement des excuses ? Pendant toutes ces années, les peines dont souffre le monde de l'Islam à cause de l'hypocrisie et de la dissimulation des agresseurs, ne sont pas moindres que celles que ces dommages matériels lui ont .infligées

Chers jeunes ! J'espère que vous changerez à présent ou dans l'avenir cette mentalité imprégnée d'hypocrisie, dont l'art consiste à la dissimulation des objectifs lointains et à l'embellissement de buts sournois. À mon avis, la première étape pour la restauration de la sécurité et de la paix, est la réforme de cette mentalité belliqueuse. Tant que des critères contradictoires règneront dans la politique occidentale, tant que le terrorisme sera divisé, aux vues de ses puissants protecteurs, en bon et mauvais terrorisme, et que les intérêts des gouvernements prélaveront sur les valeurs .humaines et morales, il ne faudra pas chercher ailleurs les racines de cette cruauté

Malheureusement, au fil des années, ces racines se sont enfoncées dans les profondeurs des politiques culturelles de l'Occident, constituant ainsi une forme d'invasion douce et cachée. Beaucoup de pays dans le monde, sont fiers de leur culture nationale, des cultures qui en se développant et en étant la source d'autres cultures, ont nourri les communautés humaines pendant des siècles. Le monde de l'Islam n'est pas exclu de cette règle, mais à l'époque contemporaine, le monde occidental, en exploitant ses moyens avancés, insiste

sur l'identification et l'assimilation des cultures. Je qualifie de cruauté cachée et très nocive, l'imposition de la culture occidentale aux autres nations, l'humiliation des cultures indépendantes et riches, et l'offense à leurs caractéristiques les plus vénérées, alors que la culture qui cherche à les remplacer n'en a aucunement la capacité. À titre d'exemple, la « violence » et « la débauche morale » qui sont malheureusement, devenues des éléments principaux de la culture occidentale, sont devenues inadmissibles dans cette même société. Maintenant la question est de savoir quelle est notre faute si nous ne voulons pas de cette culture belliqueuse, vulgaire et superficielle ? Est-ce que nous sommes coupables si nous essayons de barrer ce torrent destructif qui, sous des représentations artistiques, tente d'emporter nos jeunes ? Je ne nie pas évidemment l'importance et la valeur des liens interculturels. Ces liens, quand ils ont été créés dans des conditions normales et de respect pour la société ciblée, ont donné lieu à des progrès, à l'épanouissement et à l'enrichissement. Par contre, des liens hétérogènes et imposés, sont voués à l'échec et sont nocifs. Avec beaucoup de regrets, je dois dire que ces groupes lâches comme celui de Daech, sont les enfants de ces liens avortés avec des cultures importées de l'extérieur. Si le problème était vraiment de nature religieuse, de tels phénomènes auraient du également exister à l'époque du colonialisme, alors que l'Histoire dit le contraire. Les documents historiques fiables montrent clairement comment la relation entre le colonialisme et une idéologie extrémiste et rejetée, et cela

au sein d'une tribu primitive, a semé le grain de l'extrémisme dans la région. Sinon, comment est-il possible que d'une des plus morales et des plus humanitaires écoles de pensée du monde qui, dans son Texte fondamental, considère l'assassinat d'un .être comme l'assassinat de toute l'humanité, naisse une ordure comme Daech

D'autre part, il faut se demander pourquoi des gens qui sont nés en Europe et qui ont été instruits dans ce milieu idéologiques et moral, adhèrent à de tels groupes ? Peut-on croire que des individus, sous l'influence d'un ou deux voyages dans les zones de combat, deviennent tout à coup des extrémistes qui ouvrent le feu sur leurs concitoyens ? Il ne faut absolument pas oublier l'impact d'une vie menée dans une atmosphère culturelle malsaine et dans un milieu pervers, propice à engendrer la cruauté. Il faut faire une analyse complète qui mette à découvert les impuretés visibles et invisibles de la société. Il est possible que la rancune profonde qui, au cours de ces années d'épanouissement industriel et économique, s'est installée dans le cœur de certaines couches des sociétés occidentales, à cause des inégalités et éventuellement des discriminations légales et structurelles, ait formé certains .complexes qui de temps à autre, se manifestent de cette manière maladive

En tout cas, c'est vous qui devez découvrir les réalités de votre société, les problèmes et les rancunes, afin de les éliminer. Il faut rectifier les écarts au lieu de les approfondir. La grande erreur, dans les luttes contre le terrorisme, est qu'il s'agit de réactions hâtives qui

aggravent les écarts existants. Tout acte émotionnel et hâtif qui isolerait, effraierait ou angoisserait la communauté musulmane d'Europe et d'Amérique qui compte des millions de gens actifs et engagés, et qui les priverait encore plus que par le passé de leur droits naturels en les écartant de la scène sociale, non seulement ne résoudrait en rien le problème, mais approfondirait les écarts. Des décisions prises à la légère et réactionnelles, surtout quand elles prennent une allure légale, n'auront d'autre résultat que d'ouvrir la voie à de prochaines crises, avec l'augmentation du nombre .des blocs dans le monde

Selon les informations que j'ai reçues, dans certains pays européens, on a établi des règlements qui forcent les citoyens à espionner les musulmans. Cette attitude est oppressive et tout le monde sait qu'une attitude oppressive, qu'on le veuille ou non, est réversible. D'ailleurs, les musulmans ne méritent pas ce genre d'ingratitude. Depuis des siècles, le monde occidental connaît bien les musulmans. Depuis le jour où les Occidentaux ont été accueillis sur les territoires de l'Islam et ont placé leurs espoirs dans la générosité de leurs hôtes, et le jour où ils ont accueilli les musulmans et ont bénéficié de leur activités et de leurs idées, ils n'ont rien vu d'autre que de la gentillesse et de l'endurance. Je vous sollicite donc, chers jeunes, de bâtir les fondements d'une relation appropriée et juste avec le monde de l'Islam, sur la base d'une connaissance correcte, d'une analyse profonde et d'une leçon des expériences désagréables. Dans ce cas, vous verrez dans un

avenir proche, que le monument que vous avez bâti sur une telle fondation, procurera une ambiance pleine de confiance et de sûreté à ses architectes, leur offrira la chaleur de la sécurité et de la paix, et leur ouvrira des perspectives prometteuses .pour un avenir brillant dans le monde entier

Sayed Ali Khamenei

novembre ٢٠١٥ ٢٩

Türkçe

İslam İnkılabı Rehberi'nin Batılı Gençlere İkinci Mektubu

'! İslam Dünyasıyla Onurlu ve Sağlıklı Bir İlişkinin Temellerini Atınız'

İslam İnkılabı Rehberi Ayetullah Hamenei, batılı ülkelerde yaşayan gençlik kitlelerine hitaben yazdığı mektupta Fransa'da meydana gelen acı terör eylemlerinin düşünce ortaklığına uygun bir zemin teşkil ettiğini belirterek; bazı büyük güçlerce desteklenen terörizmin İslam dünyasındaki sonuçları, İsrail devlet terörü ve İslam dünyasına son yıllarda askeri birlikler sevkederek açılan nice hasarlarla ilgili örnekler aktardı ve genç kuşaklara 'ben siz gençlerden, doğru ve derin bir teşhisle acı tecrübelerden yararlanmanızı ve İslam dünyasıyla onurlu ve sağlıklı bir ilişkinin temellerini atmanızı istemekteyim' mesajını verdi. İnkılap Rehberi yaklaşık bir yıl kadar önce batılı gençlere .hitaben bir başka mektup yayınlamıştı

:İslam İnkılabı Rehberi'nin ikinci mektubunun metni şöyle

,Bismillahirrahmanirrahim'

.Batılı ülkelerdeki tüm gençlere seslenmekteyim

Kör terörizmin Fransa'da yol açtığı acı olaylar, beni bir kez daha siz gençlerle söyleşiye zorladı. Böylesine olayların söyleşi nedeni olması benim için üzüntü verici bir durum olsa da gerçek şudur ki, sancılı sorunlar eğer hal çareleri bulmaya ve fikir birliğine yol açmazsa, verilecek hasarlar bir kaç katına çıkacak demektir. Dünyanın herhangi bir noktasındaki bir insanın çilesi, diğer insanlar içinde elem vericidir. Sevenlerinin gözleri

önünde can veren bir çocuğun manzarası, aile sevinci mateme dönüştürülen bir anne, eşinin cansız bedenini aceleyle bir yana taşıyan koca veya bir kaç saniye sonrasına kadar hayat

piyesinin son perdesini göremeyeceğini bilemeyen bir seyircinin görüntüsü, insani duyguları kıpırdatmayacak sahneler değildir. Sevgi ve insaniyetten bir nebze olsun anlayan herkes, bu sahneleri gördüğünde üzülür ve elem duyar; ister Fransa'da olsun ve isterse Filistin'de, Irak'da, Lübnan ve Suriye'de... Hiç kuşkusuz, bir buçuk milyar müslüman aynı duygulara sahiptir ve bu facialarınfailleri ve azmettiricilerinden nefret duymaktadır. Ancak mesele şudur ki, bugünkü çileler eğer daha iyi ve daha güvenlikli bir yarının yapı taşı olamayacaksa, yalnızca acı ve verimsiz hatıralara indirgenecektir. Şuna inanmaktayım ki, yalnızca siz gençler bugünün problemlerinden dersler çıkartmak suretiyle geleceği inşa yollarını bulabilir ve batıyı mevcut noktaya .sürükleyen sapmalara set çekebilirsiniz

Terörizmin şu anda aramızdaki ortak bir dert olduğu doğrudur; ancak, şunu bilmelisiniz ki son olaylarda tecrübe ettiğiniz emniyetsizlik ve ıztırab, Irak, Yemen, Suriye ve Afganistan halklarının uzun yıllardır tahammül ettiği ıztıraba göre iki açıdan temel farklılıklar içermektedir: İlk olarak şunu belirtmek gerekir ki, İslam dünyası daha geniş boyutlarda, daha yoğun bir hacimde ve daha uzun bir sure boyunca şiddete dayalı korkunç eylemlerin kurbanı olmuştur. Konunun ikinci şıkkı da şudur ki, bu şiddet eylemleri maalesef daima bazı büyük güçler tarafından çeşitli biçimlerde desteklenmiştir. Bugün Amerika Birleşik Devletleri'nin El-Kaide, Taliban ve bu örgütlerin çirkin türevlerinin oluşturulması, takviyesi ve silahlandırılmasındaki rolünden çok az insan haberdar değildir. Bu direkt katkı ve desteklere ilave olarak, tekfirci terörizmin herkes tarafından tanınan açık destekçileri, en geri kalmış ve ilkel siyasal düzenlerine rağmen daima batının önde gelen müttehidleri arasında yer almaktadırlar. Buna karşılık, bölgede dinamik demokrasilerden yükselen en öncü ve en aydın düşünceler, insafsızca bastırılmaktadır. Batı'nın İslam dünyasındaki uyanış hareketi karşısında uyguladığı çifte

.standart, batılı siyasetlerin paradoksuna ilginç bir örnektir

Bu paradoksun bir başka yüzü, İsrail devlet terörünün desteklenmesinde gözlemlenmektedir. Mazlum Filistin halkı ۶۰ yılı aşkın bir süredir terörizmin en kötü biçimini tecrübe etmektedir. Eğer Avrupa halkı şimdi bir kaç gün evlerine sığınarak nüfusun yoğun olduğu merkezlerde bulunmaktan kaçınıyorsa, Filistin'li bir aile onlarca yıldır hatta evlerinde bile siyonist rejimin katliam ve tahrip mekanizması karşısında güvenlikte değildir. Günümüzde ne tür şiddet ve sertlik eylemlerini, gaddarlığın boyutları açısından siyonist rejimin yerleşim merkezleri yapma politikasıyla kıyaslamak mümkündür ? Bu rejim, nüfuz sahibi müttefikleri ya da en azından görünüşte bağımsız uluslararası kuruluşlar tarafından ciddi ve etkili olarak asla eleştirilmezken, her gün Filistin'lilerin evlerini viran etmekte ve bahçe ve arazilerini yokedip durmaktadır. Bu arada hatta ev eşyalarının başka yere nakline ya da tarım ürünlerinin toplanmasına bile izin vermemektedir. Bütün bunlar ekseriya çocuklar ve kadınların panik halindeki bakışları ve gözyaşları karşısında gerçekleştirilmekte ve bu insanlar, aile üyelerinin tartaklanıp yaralanmasına ve bazen de korkunç işkence merkezlerine intikaline tanık olmaktadırlar. Günümüz dünyasında bu yoğunlukta, bu boyutlarda ve bu kadar uzun bir süredir devam etmekte olan bir başka zulmü nerede gördünüz ? Bir hanımın cadde ortasında tepeden tırnağa silahlı bir asker tarafından sırf protestoda bulunduğu için kurşunlanması terörizm değil de nedir ? Bu barbarlık, işgalci bir devletin askeri güçleri tarafından yapıldığı için aşırılık sayılmamalı mıdır ? Ya da bu görüntüler ۶۰ yıldır devamlı olarak televizyon ekranlarında görüldüğü için artık ? kanıksanmalı ve vicdanımızı rahatsız etmemeli midir

İslam dünyasına son yıllarda sevkedilen askeri birlikler ve geride nice kurbanlar bırakması, Batı'nın çelişkili mantığına bir başka örnektir. Saldırıya uğrayan ülkeler, insani kayıplarının

yanı sıra ekonomik ve endüstriyel alt yapılarını da yitirdiler; gelişme ve kalkınma yolundaki hareketleri ya duraksadı, ya da yavaşladı ve bazen de onlarca yıl geriye gittiler. Buna rağmen, küstahça onlardan kendilerini 'mazlum' saymamaları istenmektedir. Bir ülkeyi viran edip, kentlerini ve köylerini küle dönüştürdükten sonra, onlara 'lütfen kendinizi mazlum saymayın !' denmesi nasıl mümkün olabilir ? Faciaları anlamamaya veya unutmaya çağırmak yerine, sadakatle özür dilenmesi daha iyi değil midir ? Bu yıllarda İslam dünyasının kendi ülkeleri aleyhindeki saldırganların iki .yüzlülüğü ve maskeli eylemlerinden çektiği çileler, maddi hasarlardan daha az değildir

Değerli gençler ! Sizlerin şu anda ya da gelecekte entrikalara bulanmış bu zihniyeti değiştireceğinizi ummaktayım; uzak hedefleri gizleme ve kurnazca düşmanlıkları süsleme hünerine sahip zihniyeti... Bana kalırsa güvenlik ve huzurun sağlanabilmesi için ilk aşama, şiddet üreten bu düşünce biçiminin düzeltilmesidir. Batılı siyasetlerde çifte standart egemen olduğunca; terörizm, güçlü destekçileri tarafından 'iyi' ve 'kötü' olarak sınıflandırıldığı sürece ve devletlerin çıkarları, insani ve ahlaki değerlere tercih .edildiği takdirde, şiddetin köklerini bir başka yerde aramaya gerek yoktur

Maalesef, bu kökler uzun yıllardır yavaş yavaş batılı kültürel politikaların derinliklerine işlemiş ve yumuşak ve sessiz bir hücumu örgütlemiştir. Dünyanın bir çok ülkesi yerli ve milli kültürleriyle iftihar etmektedirler. Bu iftihar sahibi ve üretken kültürler, asırlardır beşer toplumlarını çok iyi bir biçimde doyurmuştur ve İslam dünyası da bu gerçekten müstesna değildir. Ancak, çağdaş dönemde Batı dünyası modern araçlardan yararlanmak suretiyle dünyadaki diğer kültürleri kendininkine benzetme konusunda ısrar etmektedir. Ben, Batı kültürünün diğer milletlere dayatılması ve bağımsız kültürlerin küçümsenmesini sessiz ve çok zararlı bir şiddet eylemi olarak görmekteyim. Zengin kültürlerin aşağılanması ve bu kültürlerin en

saygın özelliklerine hakarette bulunulması, alternatif olarak lanse edilen kültürün asla öncekinin yerini dolduramayacağı şartlarda gerçekleştirilmektedir. Örneğin, maalesef batı kültüründe özel bir konum edinen ‘sertlik eylemleri' ile ‘ahlaki kayıtsızlıklar', hatta ortaya çıktığı ortamda bile giderek kabul görmemektedir. Şimdi şunu sormak gerekir ki, biz eğer kavgacı, kokuşmuş ve anlamsız bir kültürü benimsemezsek, günah mı işlemiş oluruz ? Sözüm ona sanat ürünleri çerçevesinde gençlerimize dayatılan tahripkar seli önlersek, suç mu işlemiş oluruz ? Ben, kültürel ilişkilerin önemi ve değerini inkar etmemekteyim. Bu ilişkiler her ne zaman doğal şartlarda ve karşı topluma saygı duyularak gerçekleştirilmişse gelişme, iftihar ve zenginlik vesilesi olmuştur. Buna karşılık, homojen olmayan ve dayatmacı ilişkiler, başarısız ve zararlı sonuçlar doğurmuştur. Üzüntüyle belirtmek gerekir ki, Daeş gibi alçak gruplar, ithal kültürlerle başarısız birliktelikler sonucunda doğmuş bulunmaktadır. Eğer problem gerçekten de ideolojik olsaydı, sömürgecilik döneminden önce de bu tür fenomenlere İslam dünyasında rastlamak mümkün olurdu. Oysa, tarih, bunun tam tersini doğrulamaktadır. Kesin tarihi belgeler açıkça göstermektedir ki, sömürgecilik ve reddolunmuş aşırı bir düşünce şekli hem de bedevi bir kabilenin kalbinde ve bu bölgede aşırılık tohumları ekmiştir. Aksi halde, bir insanın canının alınmasını tüm beşeriyetin öldürülmesi olarak bilen ve dünyanın en insansever ve ahlaki mekteplerinden biri olarak sayılan bu dinin içerisinden nasıl olur da Daeş gibi bir pislik ? çıkabilir

Öte yandan, Avrupa'da doğup o çevrede fikri ve ruhi gelişmesini tamamlayan kimselerin nasıl olup da bu tür grupları benimsediklerini sormak gerekir. İnsanların savaş bölgelerine bir iki kez gidip gelmeleriyle bir anda kendi yurttaşlarını kurşun yağmuruna tutacak şekilde aşırılıklar sergilemesine nasıl inanılabilir ? Hiç kuşkusuz, şiddet üreten ve bulanık bir çevrede

bir ömür boyunca sağlıksız bir şekilde beslenmenin etkisi unutulmamalıdır. Bu bağlamda toplumun gizli ve açık bulanıklıklarını teşhis edebilecek kapsamlı bir analize ihtiyaç vardır. Belki de ekonomik ve endüstriyel ilerleme yıllarında kendini gösteren eşitsizlikler ve muhtemel yasal ve sistematik ayrımcılıklar, batılı toplumların kimi kesimlerinde derin bir nefretin ekilmesine ve nice ukdelerin şekillenmesine neden .olmuştur ki arada bir hastalık şeklinde kendini göstermektedir

Her ne olursa olsun, toplumunuzun görünen tabakalarını deşmeli ve düğümleri, kinleri tesbit ederek kazımalısınız. Mevcut uçurumları derinleştirmek yerine onarmak gerekir. Terörizmle mücadeledeki büyük yanlış, mevcut kopmaları arttırabilecek aceleci tepkilerdir. Avrupa ve Amerika'da sakin milyonlarca aktif ve sorumluluk sahibi insandan oluşan müslüman toplumunu izole edecek, korkutacak ya da ıztıraba sürükleyecek her türlü fevri ve heyecana dayalı hareket, onların temel haklarından eskiye oranla daha da yoksun hale gelmesine ve toplum sahnesinden dışlanmalarına yol açacaktır. Bu durum, müşkülü halletmediği gibi fasılaların daha da derinleşmesine, kırgınlıkların daha da genişlik kazanmasına neden olacaktır. Yüzeysel ve tepkisel önlemler, özellikle de yasal dayanaklar kazandığı takdirde mevcut kutuplaşmaları arttırarak gelecekte yeni bunalımlara yol açmaktan başka bir sonuç sağlamayacaktır. Edinilen haberlere göre bazı Avrupa ülkelerinde, yurttaşları müslümanlar aleyhinde casusluğa zorlayan kurallar konulmuş bulunmaktadır. Bunlar, zalimane davranışlardır ve hepimiz şunu bilmekteyiz ki zulüm, geriye dönme özelliğine sahiptir. Müslümanlar, böylesine çirkin davranışlara layık değiller. Batı dünyası asırlardır müslümanları çok iyi tanımaktadır; hem batılıların İslam topraklarında misafir iken ev sahibinin servetine göz diktiği dönemlerde ve hem de ev sahibi olarak müslümanların düşünce ve çalışmalarından yarar sağladıkları günlerde onlar, ekseriya nezaket ve sabırdan başka bir tavırla karşılaşmadılar. Bu yüzden ben siz gençlerden doğru ve derin bir teşhisle acı tecrübelerden

yararlanmanızı ve İslam dünyasıyla onurlu ve sağlıklı bir ilişkinin temellerini atmanızı istemekteyim. Bu durumda uzak olmayan bir gelecekte şunu göreceksiniz ki böylesine bir yaklaşım üzerinde yükselttiğiniz bina, mimarları üzerine güven gölgesini yayacak, huzur ve emniyetin sıcaklığını armağan edecek ve aydınlık bir geleceğe olan umut '.huzmelerini dünya çapında parlatacaktır

Seyyid Ali Hamenei

٢٩.١١.٢٠١٥

swahili

Barua ya Kiongozi Muadhamu wa Mapinduzi ya Kiislamu kwa Vijana Wote wa Nchi za Magharibi

Ayatullah Udhma Sayyid Ali Khamenei, Kiongozi Muadhamu wa Mapinduzi ya Kiislamu amewaandikia barua (ya pili) vijana wote wa nchi za Magharibi na kuyataja matukio ya kigaidi yaliyotokea nchini Ufaransa hivi karibuni kuwa yanaandaa uwanja wa kuwepo fikra za pamoja na huku akitoa mifano kadhaa inayoumiza nyoyo inayotokana na ugaidi unaofanyika katika ulimwengu wa Kiislamu kwa uungaji mkono wa baadhi ya madola makubwa, kuungwa mkono ugaidi wa kiserikali unaofanywa na Israel na kutumwa majeshi ya kigeni yaliyosababisha hasara kubwa katika miaka ya hivi karibuni kwenye ulimwengu wa Kiislamu, amezungumza na vijana na kuwasisitizia kwa kuwaambia: Ninakutakeni vijana muweke misingi ya muamala sahihi na wa heshima kuhusiana na ulimwengu wa Kiislamu kwa kutegemea welewa sahihi na wa kina na kwa kutumia uzoefu wa matukio machungu. Matini kamili ya :barua hiyo ya Kiongozi Muadhamu wa Mapinduzi ya Kiislamu ni kama ifuatavyo

Bismillahir Rahmanir Rahim

Kwa vijana wote wa nchi za Magharibi

Matukio machungu ambayo yamesababishwa na ugaidi kipofu nchini Ufaransa kwa mara nyingine yamenifanya tuzungumze na nyinyi vijana. Kwa kweli ninasikitika kuona kuwa matukio kama haya yanakuwa msingi wa mazungumzo yangu lakini

ukweli wa mambo ni kuwa, iwapo masuala machungu hayatachukuliwa kuwa msingi wa kufikiriwa njia za utatuzi na kuwa chombo cha fikra za pamoja, bila ya shaka hasara

ya masuala hayo itakuwa maradufu. Machungu ya kila mwanadamu katika kila pembe ya dunia huwatia huzuni wanadamu wenzake. Mandhari ya mtoto anayekata roho mbele ya wapendwa wake, mama ambaye furaha ya familia yake hubadilika na kuwa maombolezo, mume ambaye hubeba mwili usio na roho wa mkewe na kuupeleka harakaharaka sehemu fulani au mtazamaji ambaye hajui kuwa dakika chache zijazo huenda pazia la mwisho la tamthilia ya maisha yake litafungwa, bila ya shaka yoyote ni mandhari ambazo zinaziathiri hisia za kila mwanadamu. Mtu yeyote mwenye hisia za mapenzi na ubinadamu ataathirika na kuumizwa na matukio hayo popote yanapotokea, yawe yanatokea nchini Ufaransa au Palestina au Iraq au Lebanon au Syria. Hapana shaka kuwa Waislamu bilioni moja na nusu wana hisia hiyo hiyo na wanachukizwa na kukerwa na watendaji na wasababishaji wa maafa hayo. Ama suala muhimu hapa ni kwamba, iwapo machungu ya leo hayatapelekea kujengwa kesho iliyo bora na iliyo na amani zaidi, basi yatabakia kuwa kumbukumbu za matukio machungu tu zisizo na faida yoyote. Ninaamini kuwa, ni nyinyi tu vijana ndio mnaoweza kujifunza kutokana na misukosuko ya leo na kuweza kupata njia mpya za kujenga mustakbali na kuzuia upotofu ambao umewafikisha Wamagharibi .hapa walipo hivi sasa

Ni kweli kuwa ugaidi leo hii umekuwa ni machungu ya pamoja kati yetu na nyinyi, lakini ni muhimu mufahamu kuwa, ghasia na wasiwasi ambao umekukumbeni katika matukio ya hivi karibuni, una tofauti mbili kubwa na machungu ambayo yamekuwa yakiwatesa watu wa Iraq, Yemen, Syria na Afghanistan kwa miaka mingi. Tofauti ya kwanza ni kuwa, ulimwengu wa Kiislamu umekuwa mhanga wa

unyama, hofu na ghasia kubwa zaidi tena na kwa muda mrefu sana na pili ni kwamba, kwa masikitiko makubwa, ghasia hizo zimekuwa zikichochewa na kuungwa mkono na madola makubwa na kwa njia tofauti na zenye taathira. Hii leo ni watu wachache mno ambao hawana habari kuhusu nafasi ya Marekani katika kuyaanzisha au kuyaimarisha na kuyapa silaha (makundi ya) al Qaida, Taliban na makundi mengine maovu yenye uhusiano na makundi hayo. Mbali na uungaji mkono huo wa moja kwa moja, waungaji mkono wa wazi na wanaojulikana wa utakfiri ambao wana mifumo iliyodumaa mno kisiasa, daima wanahesabiwa kuwa washirika muhimu wa nchi za Magharibi; na hii ni katika hali ambayo fikra bora na zilizo wazi zaidi zinazotokana na demokrasia safi na ya asili kabisa katika eneo (hili la Mashariki ya Kati) zinakandamizwa bila huruma. Miamala ya kindumakuwili ya Magharibi kuhusiana na mwamko kama huu katika ulimwengu wa Kiislamu ni mfano wa wazi wa mgongano .uliopo katika siasa za Magharibi

Mfano mwingine wa mgongano huo unaonekana katika kuunga mkono ugaidi wa kiserikali wa Israel. Ni zaidi ya miaka ۶۰ sasa tokea wananchi madhlumu wa Palestina waanze kusulubiwa kwa aina mbaya zaidi ya ugaidi. Ikiwa watu wa Ulaya kwa siku kadhaa sasa wamekuwa wakijificha kwenye nyumba zao na kuogopa kushiriki kwenye mikusanyiko na vituo vilivyo na umati mkubwa wa watu, ni kwa makumi ya miaka sasa ambapo familia za Kipalestina hazina usalama hata ndani ya nyumba zao kutokana na mauaji na uharibifu ya utawala wa Kizayuni. Leo hii ni utumiaji mabavu upi unaoweza kulinganishwa na unyama wa utawala wa Kizayuni

unaotendwa kupitia ujenzi wa vitongoji vya walowezi wa Kizayuni? Utawala huo kila siku hubomoa nyumba za Wapalestina na kuanganiza mabustani na mashamba yao bila ya hata kuwapa fursa ya kuondoa vitu vyao na vyombo vyao wanavyovitumia katika maisha yao ya kila siku na wala mazao yao ya kilimo. (Utawala wa Kizayuni unafanya jinai hizo) bila ya kukosolewa au kukemewa na washirika wake walio na ushawishi mkubwa au kwa uchache taasisi za kimataifa ambazo kidhahiri zinaonekana ni huru. Aghlabu unyama huo hufanyika mbele ya macho yanayobubujika machozi ya watoto na wanawake waliojawa na hofu kubwa ambao hushuhudia jamaa zao wakipigwa na kujeruhiwa na mara nyingine kupelekwa kwenye jela za kuogofya na za mateso (za Wazayuni). Je, mnajua ukatili mwingine mkubwa zaidi ya huu katika zama hizi na wa muda mrefu kama hivi katika sehemu nyingine yoyote ya dunia ya leo? Kama kuuliwa kwa risasi mwanamke barabarani kwa sababu tu ya kumlalamikia askari aliyejizatiti vilivyo kwa silaha, si ugaidi ni nini? Je, kwa kuwa ukatili huu unafanywa na wanajeshi wa utawala vamizi haupasi kuitwa kuwa ni misimamo ya kuchupa mipaka? Au kwa vile picha hizi zimekuwa zikionyeshwa na kukaririwa kwenye televisheni kwa miaka ۶۰, hazina nguvu tena za kuchochea ?hisia zetu

Kumiminwa majeshi (ya madola ya kigeni) katika miaka ya hivi karibuni kwenye nchi za ulimwengu wa Kiislamu kitendo ambacho tayari kimeshachukua wahanga wengi, ni mfano mwingine wa mantiki inayogongana ya Magharibi. Nchi zinazohujumiwa mbali na kupata hasara za kibindamu, zimepoteza pia miundombinu yao ya kiuchumi na kiviwanda, harakati zao za maendeleo na ustawi zimesimama au kupungua kasi

na hata katika baadhi ya sehemu zimerejea nyuma kwa makumi ya miaka. Licha ya hayo na kwa kiburi, nchi hizo zinatakiwa zisijihesabu kuwa ni nchi zinazodhulumiwa. Inawezekana vipi nchi ambazo zimeharibiwa kwa kiwango hiki na miji na vijiji vyao vimefanywa jivu zinaambiwa: Tafadhali msijihesabu kuwa mliodhulumiwa?! Je, si bora kuomba msamaha kwa udhati wa moyo badala ya kujitia kutoelewa au kujifanya maafa yaliyotendwa? Mateso ya kiroho ambayo yameupata ulimwengu wa Kiislamu katika miaka ya hivi karibuni kutoka kwa wahujumu walio na nyuso mbili zilizorembwa .nayo si madogo ikilinganishwa na hasara ya kimaada

Vijana wapenzi! Ninatumai kuwa nyinyi hivi sasa au katika siku zijazo mtaweza kubadilisha mtazamo na fikra hii potofu, fikra ambayo kipaji chake wake ni kuficha malengo ya muda mrefu na kupamba malengo ya kuudhi. Kwa mtazamo wangu hatua ya kwanza ya kuleta usalama na utulivu, ni kurekebisha fikra hii ya kutumia mabavu. Maadamu vipimo vya kindumakuwili vitaendelea kudhibiti na kughilibu siasa za Magharibi; madhali kugawanywa ugaidi na waungaji mkono wake wenye nguvu katika makundi mawili ya ugaidi mzuri na mbaya kutaendelea, na maadamu maslahi ya serikali yataendelea kufadhilishwa na kuwekwa mbele ya thamani za kiutu na maadili, tujue kuwa mizizi ya utumiaji mabavu haipaswi kutafutwa kwingine ghairi ya .ndani ya mambo hayo

Inasikitisha sana kuona kuwa mizizi hii, imejikita pia hatua kwa hatua kwa miaka mingi katika sera za kiutamaduni za Magharibi na kuandaa mazingira ya kujitokeza .hujuma laini na ya kimya kimya

Nchi nyingi za dunia zinajivunia utamaduni wao wa jadi na wa kitaifa; hizi ni tamaduni ambazo sambamba na kuinuka na kustawi, zimekuwa zikikidhi

vyema mahitaji ya jamii za mwanadamu kwa mamia ya miaka. Ulimwengu wa Kiislamu nao pia hauko nje ya duara hili. Lakini katika zama zetu hizi, ulimwengu wa Magharibi unatumia suhula za kisasa ili kulazimisha kuwepo utamaduni unaoshabihiana na unaofanana kote duniani. Mimi ninaamini kuwa, kujaribu kuyatwisha mataifa mengine utamaduni wa Magharibi na kuziona duni tamaduni huru .ni utumiaji mabavu wa kimya kimya na wenye madhara makubwa sana

Mwenendo huu wa kudhalilisha tamaduni tajiri na kuvunjia heshima matukufu makubwa zaidi ya tamaduni hizo unafanyika katika hali ambayo, tamaduni mbadala hazina sifa na uwezo wa kuchukua nafasi ya tamaduni hizo. Kwa mfano, mambo mawili ya "ushari" na "ufuska na utovu wa maadili" ambayo, kwa masikitikio, yamekuwa misingi mikuu ya utamaduni wa Magharibi, yamepoteza nafasi hata huko huko yalikozaliwa. Hapa swali linalojitokeza ni kwamba, je, tutakuwa watenda dhambi na makosa iwapo tutaukataa utamaduni wenye kupenda machafuko, wa ufuska na usiokubali masuala ya kiroho? Je, tutakuwa tunakosea iwapo tutazuia mafuriko na uharibifu ambao unakuja kwa vijana wetu katika kalibu ya bidhaa za kisanaa? Mimi sipingi umuhimu na thamani za mahusiano ya kiutamaduni. Mahusiano hayo yanapofanyika katika mazingira ya kawaida na kwa kuheshimu jamii husika huitunuku jamii hiyo ustawi, maendeleo na huitajirisha. Mkabala wake, mahusiano yasiyooana na ya kulazimishwa hufeli na husababisha hasara. Kwa masikitiko nalazimika kusema kwamba, makundi maovu kama Daesh ni wazaliwa na ni matokeo ya maingiliano kama hayo yasiyo na mafanikio na tamaduni kutoka nje. Kama kweli tatizo lingekuwa ni la kiitikadi basi tatizo hili pia lingelishuhudiwa katika ulimwengu wa Kiislamu kabla ya zama za ukoloni, hata hivyo

historia inathibitisha kinyume chake. Nyaraka za kuaminika za kihistoria zinaonesha waziwazi jinsi muungano wa ukoloni na fikra za kuchupa mipaka na zisizokubalika, tena ndani ya kabila moja la kibedui, ulivyopandikiza mbegu ya misimamo mikali katika eneo hili. La sivyo inawezekana vipi kutokea taka kama Daesh katika moja ya mifumo ya kidini (Uislamu) wenye maadili bora zaidi na ya kibinadamu zaidi duniani ambao unasisitiza katika misingi na nguzo zake kwamba kutoa roho ya mwanadamu ?mmoja ni sawa na kuua wanadamu wote

Katika upande mwingine inatupasa kuuliza kwamba, ni kwa nini watu waliozaliwa Ulaya na kupata malezi ya kifikra na kiroho katika mazingira hayo wakavutwa na kuathiriwa na makundi hayo (ya kigaidi na kitakfiri)? Je, inawezekana kuamini kwamba, watu hawa ghafla moja wameweza kuwa na misimamo ya kuchupa mipaka kwa kutembelea mara moja au mbili maeneo ya vita kiasi cha kuwafanya wawamiminie risasi wananchi wenzao? Bila ya shaka (katika mazingira kama haya) haiwezekani kusahau na kupuuza taathira za kipindi kirefu cha kulishwa utamaduni usio sahihi katika mazingira machafu na yanayozalisha ukatili (ya nchi za Magharibi). Tunapaswa kuwa na uchambuzi kamili na wa pande zote, uchambuzi utakaobaini uchafu wa dhahiri na wa batini wa jamii. Inawezekana kwamba chuki kubwa iliyopandikizwa katika nyoyo za matabaka mbalimbali ya jamii za Magharibi kwa kipindi cha miaka mingi ya ustawi wa kiviwanda na kiuchumi na kutokana na dhulma na wakati mwingine ubaguzi wa kisheria na kimuundo, imezusha vinyongo ambavyo .vimekuwa vikijitokeza mara kwa mara kama maradhi katika sura hii

Alaa kulli hal, sasa mnalazimika kuvunja tando za kidhahiri za jamii zenu, mupate kuondoa vifundo

na vinyongo vilivyomo. Nyufa zilizopo zinapaswa kurekebishwa badala ya kupanuliwa zaidi. Kosa kubwa katika kupambana na ugaidi ni kuchukua misimamo ya kukurupuka itakayozidisha mipasuko iliyopo. Harakati yoyote ya kijazba na ya kukurupuka ambayo itaitenga au kuitia hofu na kuiweka katika misukosuko jamii ya Waislamu wa Ulaya na Marekani ambayo ina mamilioni ya watu wenye kujituma na kuwajibika, na ikapelekea kunyimwa zaidi haki zao za kimsingi na kuwaweka kando, si tu haitatatua tatizo, bali hata itapanua zaidi nyufa na kuzidisha vinyongo. Hatua za kijuujuu na misimamo ya kukurupuka hususan pale inapohalalishwa kisheria, mbali na kwamba haitakuwa na matokeo ghairi ya kuzidisha kambi zilizopo, vile vile itafungua njia ya .kuzuka migogoro mipya katika siku za usoni

Habari zilizotufikia zinasema kuwa, katika baadhi ya nchi za Ulaya kumewekwa taratibu zinazowalazimisha raia kufanya ujasusi dhidi ya Waislamu. Mwenendo huu ni wa kidhalimu na sisi sote tunajua kwamba – kwa kupenda au bila ya kupenda – dhulma ina sifa ya mwangwi. Zaidi ni kwamba Waislamu hawastahiki kufanyiwa utovu huo wa fadhila. Dunia ya Magharibi inawajua vyema Waislamu kwa karne nyingi. Wakati Wamagharibi walipokuwa wageni katika ardhi ya nchi za Kiislamu na kukodolea macho utajiri wa mwenye nyumba, na vilevile wakati mwingine ambapo walikuwa wenyeji na wakafaidika na kazi na fikra za Waislamu, aghlabu hawakuona .lolote kutoka (kwa Waislamu) isipokuwa ukarimu na uvumilivu

Kwa msingi huo ninawataka nyinyi vijana, mjenge nguzo za kuamiliana kwa njia sahihi na kiungwana na ulimwengu wa Kiislamu kwa msingi wa utambuzi sahihi, muono mpana na kwa kutumia tajiriba chungu. Iwapo mtafanya hivyo mutaona katika kipindi ,si kirefu kijacho

jengo mlilojenga juu ya nguzo hizo imara linaweka kivuli cha imani na kuaminiana juu ya vichwa vya wahandisi wa jengo hilo na kuwatunuku vuguvugu la amani na utulivu .na hatimaye kumulika mwanga wa matumaini katika mustakbali wa dunia

Sayyid Ali Khamenei

Azar/۱۳۹۴/۸

.(Novemba/۲۰۱۵/۲۹)

Русский

Письмо великого лидера Исламской революции молодежи западных государств

!Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного

!Всей молодежи западных государств

Горькие события, порожденные слепым терроризмом во Франции, вновь побудили меня к беседе с вами, молодежью. Я сожалению в связи с тем, что почву разговора создают такие инциденты, но действительность заключается в том, что если вопросы вызывающие боль не смогут создать почву для того, чтобы задуматься в поисках пути решения и атмосферу для единомыслия ущерб удвоится. Страдание любого человека в любой точке мира само по себе является печальным для ближнего своего. Картина младенца погибающего на глазах своих близких, матери, у которой радость семьи превращается в горе, мужа, который куда-то устремлен с безжизненным телом своей супруги на руках или наблюдателя, который не знает увидит ли в следующее мгновение последний кадр жизни не может не взбудоражить человеческие чувства и эмоции. Всякий, кто знаком с такими понятиями, как любовь и человечность, увидев такие сцены, не может остаться равнодушным и не испытывать боль, произойди это во Франции, или в Палестине, Ираке, Ливане и Сирии. Нет сомнений, что эти чувства разделяют полтора миллиарда мусульман и они питают ненависть и негодование в отношении виновников этих преступлений. Но вопрос заключается в том, что, если сегодняшние боли и страдания не

послужат средством создания более лучшего и более безопасного будущего, они лишь останутся горькими и бесплодными воспоминаниями. Я верю, что только вы, молодежь, черпая уроки из

сегодняшних беспорядков, способны найти новые пути для создания будущего и станете преградой всех заблудших путей, которые привели Запад к тому, что .мы имеем сегодня

Да, действительно, терроризм сегодня является общей болью для вас и для нас, но вы должны знать, что нарушение безопасности и тревога, которые вам пришлось испытать в ходе последних событий, отличаются от страданий, которые на протяжении долгих лет испытывают народы Ирака, Йемена, Сирии и Афганистана по двум основным причинам. Во-первых, исламский мир является жертвой насилия и нагнетания страха в значительно больших масштабах, большем объеме и более длительное время, а во-вторых, эти виды насилия, к сожалению, постоянно поддерживаются разными методами и эффективно со стороны некоторых крупных держав. Сегодня мало кто не знает о роли Соединенных Штатов Америки в создании, наращивании мощи и вооружении Аль-Каиды, группировки Талибан и их мерзких приспешников. Нарду с этой непосредственной поддержкой, явные и признанные покровители такфиритского терроризма, несмотря на наличие самых отсталых политических укладов всегда выступают в качестве союзников Запада. Такое наблюдается несмотря на то, что в регионе жестоко подавляются самые прогрессивные и светлые идеи которые являются результатом динамичного народовластия. Двоякий подход Запада к движению пробуждения в исламском .мире - наглядный пример противоречивости в западной политике

Другая сторона этого противоречия наблюдается в поддержке правительственного терроризма Израиля. Угнетенный народ Палестины вот уже более ۶۰ лет как испытывает самые мерзкие формы терроризма. Если жители Европы сегодня несколько дней укрываются в своих домах и избегают участия в центрах и обществах, где скопляется большое количество народа палестинская семья вот уже десятки лет как не может найти безопасного места от разрушающей машины смерти сионистского режима даже

в своих домах. Какое насилие может сравниться сегодня по степени зверства со строительством поселений со стороны сионистского режима? Этот режим, который никогда серьезно и эффективно не подвергался осуждению со стороны своих влиятельных союзников или хотя бы внешне независимых международных организаций, ежедневно разрушает дома палестинцев и уничтожает их сады и посевные поля при этом лишает их даже возможности перевести свои домашние вещи или собрать сельскохозяйственную продукцию и все это зачастую происходит на глазах испуганных и плачущих женщин и детей, которые становятся свидетелями избиения членов своей семьи а в некоторых случаях их отправки в страшные комнаты пыток. Можете ли вы назвать другое аналогичное зверство в современном мире в таком объеме, в таких масштабах, и которое бы длилось так долго? Как если не терроризмом назвать убийство женщины посреди улицы только за то, что она выразила протест до зубов вооруженному солдату?! Это не должно называться экстремизмом потому, что это варварство совершается военными узурпаторского правительства?! Или быть может эта картина больше не должна тревожить нашу совесть потому, что она постоянно транслируется по телевизору на протяжении ۶۰ лет?!

Военные походы в последние годы на исламский мир, которые оставили после себя бесчисленное количество жертв является еще одним примером противоречивой логики Запада. Страны подвергшиеся вторжению помимо человеческих потерь лишились своей экономической и промышленной структуры, их движение в сторону развития и процветания остановилось или затормозилось и в некоторых случаях откинуло на десятки лет назад. Несмотря на это их нагло просят не называть себя угнетенными. Как можно уничтожить страну и испепелить ее города и селения, а затем сказать им: не считайте себя, пожалуйста, угнетенными?! Вместо того,

чтобы призывать сделать вид, что не поняли или забыть трагедию, не лучше было бы искренне извиниться? Страдания, которые пришлось вытерпеть исламскому миру в эти годы из-за лицемерия и притворства агрессоров .нисколько не уступают материальному ущербу

Дорогая молодежь! Я надеюсь, что вы сегодня или в будущем измените этот менталитет запятнанный ханжеством. Менталитет, все искусство, которого заключается в сокрытии долгих целей и скрытии за маской мерзких амбиций. Я считаю, что первым этапом в создании безопасности и покоя должно стать исправление этого насильственного мышления. До тех пор, пока в политике Запада будет господствовать двоякие критерии, до тех пор, пока терроризм в глазах их крупных покровителей будет разделяться на хороший и плохой и до тех пор, пока интересам правительств будет отдаваться предпочтение над гуманными и нравственными ценностями, не следует искать корни насилия в .другом месте

Эти корни, к сожалению, на протяжении многих лет постепенно просочились вглубь культурной политики Запада и подготовили мягкое и беззвучное вторжение. Многие страны мира гордятся своей местной и национальной культурой, это культуры, которые прославляясь и приумножаясь на протяжении столетий питали человеческие сообщества. Исламский мир не стал исключением в этом правиле. Однако в современную эпоху западный мир используя прогрессивные средства настаивает на культурном поглощении и ассимиляции мира. Я расцениваю навязывание западной культуры другим народам и умаление значения независимых культур беззвучным и очень вредоносным насилием. Унижение богатых культур и оскорбление самых уважаемых их аспектов совершается несмотря на то, что навязываемая культура ни в коем случае не обладает потенциалом замещения. К примеру, такие два элемента как грубость и нравственная распущенность, которые, к сожалению, превратились в главные критерии западной культуры снизили

ее популярность и рейтинг даже на ее родине. Вопрос заключается в следующем, в чем наша вина, если мы не хотим культуры вражды, разврата и избегающую осознания? Мы будем виноваты, если остановим разрушающий сель, который направлен в сторону нашей молодежи в виде всякого рода продукции псевдоискусства?! Я не отрицаю важность и ценность культурного взаимодействия. Всякий раз когда эти связи происходили в естественных условиях и с уважением к обществу они подарили развитие, прославление и обогащение. В свою очередь разнородные и навязываемые связи были безуспешными и ущербными. С огромным сожалением, должен сказать, что мерзкие группировки такие, как ДАИШ являются порождением таких безуспешных связей с импортируемыми культурами. Если бы главная проблема заключалась в убеждениях, то аналогичные этим явлениям должны были наблюдаться в исламском мире до эпохи колониализма, хотя история свидетельствует об обратном. Достоверные исторические документы наглядно демонстрируют, как пересечение колониализма с экстремистским и изжившим себя мышлением в сердце примитивного племени посеяло в этом регионе семя экстремизма. В противном случае, как могли из самой нравственной и гуманной религиозной школы мира, которая в своем основополагающем положении приравнивает убийство одного человека к уничтожению всего человечества, ?появится такие отбросы как ИГИЛ

С другой стороны, возникает вопрос, почему к этим группировкам примыкают люди, родившиеся в Европе и воспитавшиеся в ее интеллектуальной и духовной среде? Разве можно поверить, что человек совершив пару визитов в зону боевых действий внезапно становится настолько экстремистским, что расстреливает своих соотечественников? Безусловно, не следует забывать влияние целого жизненного цикла нездорового культурного питания в загрязненной и порождающей насилие среде. В этой связи необходимо проделать всесторонний анализ. Анализ, который выявит явные и скрытые загрязнения

общества. Может быть, глубокая ненависть, которая была посеяна в сердце некоторых слоев западного общества в период промышленного и экономического расцвета вследствие неравенства и может быть структурной и юридической дискриминации породили обиду, которая время от времени .проявляются в такой болезненной форме

Во всяком случае, именно вам предстоит вскрыть внешние слои своего общества, найти проблемы и обиды и устранить их. Разрывы следует не увеличивать а залечивать. Большая ошибка в борьбе с терроризмом заключается в поспешной реакции, которая увеличивает существующие разрывы. Любое эмоциональное и поспешное действие, которое изолирует, напугает или заставит тревожиться мусульманское общество, проживающее в Европе и Америке, представленное миллионами активных и ответственных людей, или еще больше лишит их основных их прав и удалит из общественной жизни, не только не решит проблемы, но и сделает более широким расстояние и более глубокой обиду. Поверхностные решения и решения, принимаемые в качестве ответной реакции, особенно если они будут оправданы законом, не будут иметь никакой пользы кроме того, что откроют путь будущим кризисам на фоне увеличения существующего формирования полюсов. Согласно имеющейся информации в некоторых европейских странах приняты нормы подталкивающие граждан к шпионажу против мусульман. Такое поведение является насильственным и все мы знаем, что пожелание насилие неизбежно обладает свойством возвратности. К тому же мусульмане не заслужили такой неблагодарности. Западный мир многие столетия прекрасно знаком с мусульманами. Как в ту пору, когда западные страны стали гостями на земле Ислама и позарились на богатства хозяина дома, так и в ту пору, когда были хозяевами и воспользовались делами и идеями мусульман за исключением незначительных случаев они встречали лишь любовь и терпение. Поэтому я ,обращаюсь к вам

молодежь, с призывом заложить основы правильного и благородного взаимодействия с исламским миром, на основе правильного познания, проявляя проницательность и используя горький опыт. В таком случае, в недалеком будущем вы увидите, как сооружение, построенное вами на таком фундаменте, распространит тень надежности и доверия на своих строителей, подарит им тепло безопасности и покоя и излучит на арену Вселенной луч .надежды в светлое будущее

Сейед Али Хаменеи

.азара ۱۳۹۴г ۸

.ноября ۲۰۱۵г ۲۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹